

اصول و مبانی مقایسه تطبیقی بین ترجمه‌ای به همراه مقایسه تطبیقی دو ترجمه از کتاب توسعه به مثابه آزادی اثر آمارتیاسن^۱

محمد جواد توکلی*

چکیده

مقایسه تطبیقی بین ترجمه‌ای، به بررسی تطبیقی دو یا چند ترجمه از یک متن بر پایه سه محور کلی «امانت در ترجمه»، «رسایی ترجمه» و «شیوایی ترجمه» اطلاق می‌گردد. بر این اساس، در یک بررسی تطبیقی، به ترتیب، میزان وفاداری مترجمان به متن اصلی، توانایی آنان در انتقال منظور نویسنده و آراستگی و روان بودن ترجمه آنها مورد بررسی و مقایسه قرار می‌گیرد. ناتوانی یک مترجم در ارائه ترجمه‌ای وفادار به متن، رسا و شیوا می‌تواند به دلیل عواملی چون فرو رفتن در لاک ترجمه تحت اللفظی، عدم توجه به مفاهیم و اصطلاح‌های علمی، درک نادرست از ساختار جمله‌ها در زبان مبدأ و عدم رعایت اصول نگارش در زبان مقصد رخ دهد. برای عینی‌تر شدن مباحث، این مقاله چارچوب پیشنهادی مزبور را در بررسی تطبیقی دو ترجمه، به کار گرفته است. بررسی مزبور به خوبی مزیت‌ها و معایب هر یک از این دو ترجمه را به شکلی ملموس و عینی نمایان کرده و می‌تواند الهام‌بخش مطالعات بعدی باشد. کلید واژه‌ها: مقایسه تطبیقی بین ترجمه‌ای، آمارتیاسن، محمودی، فشارکی، توسعه به مثابه آزادی.

* دانش آموخته حوزه و دانشجوی دکتری فلسفه اقتصاد، دانشگاه ارازموس هلند.

دریافت: ۸۷/۱۰/۲۸ - پذیرش: ۸۷/۱۱/۲۷

مقدمه

بدون شک علاقمندان به مباحث اقتصادی با آثار و نظریات ارزشمند اقتصاددان برجسته و برندهٔ جایزهٔ نوبل در سال ۱۹۹۸، آمارتیا سن، آشنایی دارند. سن به طور عمده، به واسطهٔ نگاه انتقادی‌اش به علم اقتصاد متعارف و به ویژه به سبب نظریاتش در زمینهٔ اقتصاد توسعه، شناخته شده است. بخشی از موفقیت وی مرهون تلاش برای تغییر عملی رویکردهای اشتباه اقتصاد متعارف در مقایسه سطح توسعه‌یافتگی کشورهاست. یکی از دستاوردهای عمدهٔ او پایه‌ریزی محاسبه شاخص توسعهٔ انسانی به جای شاخص‌هایی همچون محصول ناخالص ملی و ارائهٔ دیدگاه موسوم به «دیدگاه قابلیت» می‌باشد. سن مبانی نظری این دیدگاه را با نگرشی لیبرالیستی در کتاب «توسعه به مثابه آزادی»^۱ بسط می‌دهد.

خوشبختانه این کتاب اندک زمانی پس از نشر توسط دو مترجم، آقایان وحید محمودی و حسن فشارکی و با فاصله حداکثر یک سال به فارسی ترجمه شده و با عناوین «توسعه به مثابه آزادی»، و «توسعه و آزادی» به زیور طبع آراسته شده است.^۳ تعدد ترجمه‌های صورت‌گرفته نویدبخش سهولت دسترسی محققان اقتصادی به متن فارسی این اثر ارزشمند است. نگاهی کوتاه به ترجمه‌های موجود، این امید را به یأس تبدیل می‌کند. ترجمه‌های مذکور، آن‌گونه که در این مقاله به آن می‌پردازیم، در موارد بسیاری از بیان روان و گویای مقصود نویسندهٔ کتاب، عاجز مانده‌اند. این ترجمه‌ها به طور کلی به دو گونه نارسایی، که نارسایی‌های مفهومی و نارسایی‌های شکلی نام‌گذاری شده‌اند، دچارند. در بررسی تطبیقی پیش‌رو، سعی شده تا ضمن تبیین این دو نوع نارسایی و استقصای انواع گوناگون هریک، شواهدی عینی از دو ترجمهٔ مورد اشاره از کتاب آمارتیاسن ارائه گردد. شواهد مثال از ترجمهٔ آقایان فشارکی و محمودی از فصل‌های دوم، سوم، چهارم، پنجم، نهم و یازدهم کتاب انتخاب شده‌اند. در پایان، مقایسهٔ تطبیقی ترجمه‌های مزبور بر اساس سه محور امانت در ترجمه، رسایی ترجمه و شیوایی ترجمه صورت می‌گیرد.

چارچوب کلی ارزیابی تطبیقی بین ترجمه‌ای

بدون شک یکی از اهداف ترجمه یک متن، به ویژه یک متن علمی، برگرداندن رسا و روان آن از زبان مبدأ به زبان مقصد است. این امر مستلزم تسلط مترجمان به هر دو زبان، توانایی در برگرداندن اثر از زبان مبدأ به زبان مقصد و همچنین آشنایی آنان با رشته علمی مزبور است. در این راستا ترجمه، همان‌گونه که عموم مترجمان چیره‌دست، از جمله استاد طاهره صفارزاده به خوبی بیان کرده‌اند، به صورت ساختاری دارای دو مرحله یا دو بخش عمده است:

۱. یافتن مفهوم و پیام متن مورد ترجمه؛

۲. یافتن سبک نویسنده در متن مورد ترجمه.^۴

مرحله اول، مرحله «مفهوم یابی» و مرحله دوم مرحله «سبک‌شناسی» است. به این دو مرحله می‌توان مرحله «معادل‌یابی» به معنای عام آن را نیز افزود. بر این اساس، ترجمه عبارت است از: بیان مفهوم متن مورد ترجمه (مفهوم‌یابی) با حفظ سبک نویسنده (سبک‌شناسی). مفهوم‌شناسی ناظر به درک مقصود نویسنده در متن اصلی است. سبک‌شناسی به طور عمده به شناخت نوع اثر در متن اصلی اشاره دارد. اینکه متن مورد ترجمه متنی ادبی، هنری، خبری و یا علمی و فنی باشد در چگونگی برگرداندن آن به زبان مقصد مؤثر است. ترجمه متون علمی، به طور نمونه، به کلی از ترجمه متون غیرعلمی متفاوت است. برای ترجمه یک متن علمی نویسنده، مترجم باید به خوبی با مباحث، مفاهیم علمی و اصطلاح‌های به کار رفته در آن آشنا باشد. با در نظر گرفتن این سه مرحله، آن‌گونه که دکتر طاهره صفارزاده بدان اشاره کرده‌اند، موفقیت یک ترجمه عبارت از پاسخ‌های مثبتی است که به پرسش‌های زیر داده می‌شود:

۱. آیا مفهوم متن اصلی، رسانده شده است؟

۲. آیا لحن نویسنده حفظ شده است؟

۳. آیا مترجم، زبان خاص و متناسب متن را یافته است؟

۴. آیا واژگان درست و دقیق انتخاب شده است؟

۵. آیا تطابق دستور زبانی به عمل آمده است؟

۶. آیا در برگرداندن جمله‌ها طول کلام نویسنده رعایت شده است؟
 ۷. آیا به علامت‌های نقطه‌گذاری اهمیت کافی داده شده است؟^۵

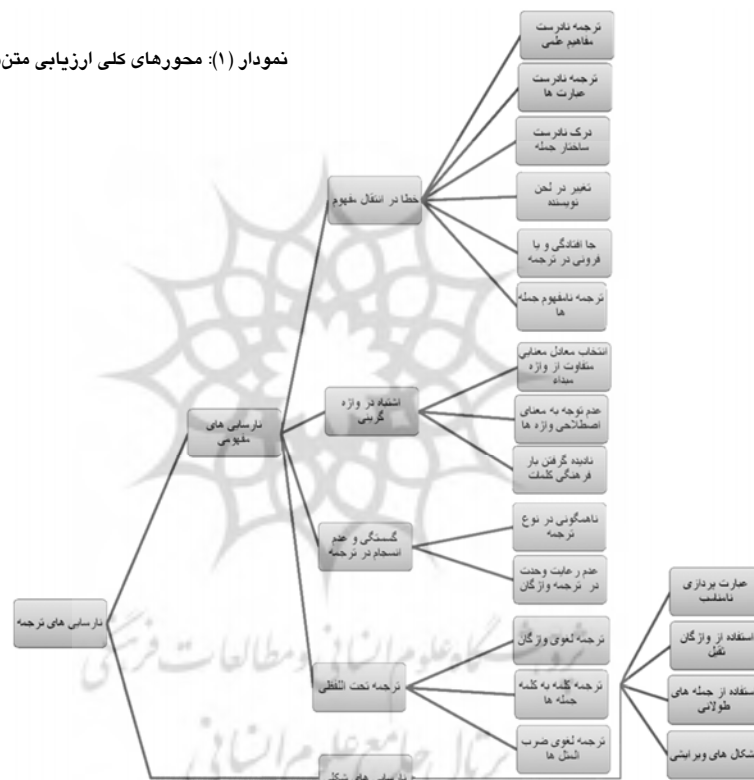
محورهای کلی ارزیابی متن‌های ترجمه‌ای

با دسته‌بندی سؤال‌های مزبور می‌توان نارسایی‌های ترجمه‌ای را به طور کلی به دو دسته نارسایی‌های مفهومی و نارسایی‌های شکلی تقسیم کرد. نارسایی مفهومی زمانی رخ می‌دهد که مترجم از رساندن منظور نویسنده متن اصلی به زبان مقصد عاجز بماند. این نقیصه همان‌گونه که در نمودار (۱-۲) به نمایش درآمده، ممکن است به دلیل خطا در انتقال مفهوم، گسستگی و عدم انسجام در ترجمه، اشتباه در واژه‌گزینی و یا ترجمه تحت‌اللفظی به وجود آید. خطا در انتقال مفهوم به طور عمده ناشی از عدم تسلط مترجم بر موضوع و ناآشنایی وی با مفاهیم علمی به کار رفته در متن اصلی است. جافتادگی در ترجمه، ترجمه نادرست کلمات و ترجمه نامفهوم عبارت‌ها و جمله‌ها نیز می‌تواند به خطا در انتقال مفهوم بینجامد. آن‌گونه که استاد ابوالحسن نجفی به خوبی به این نکته اشاره کرده‌اند: «در عمل ثابت شده است که مثلاً مترجم کتابی در فلسفه هر اندازه که بر زبان مبدأ و مقصد مسلط باشد، اگر خود اهل فلسفه یا به عبارت دقیق‌تر اهل اصطلاح نباشد، از عهده ترجمه آن بر نمی‌آید».^۶ گسستگی و عدم انسجام در ترجمه نیز غالباً معلول نوسان در سبک ترجمه و یا عدم رعایت وحدت در ترجمه است. اشتباه در واژه‌گزینی نیز به دلایلی همچون انتخاب معادل معنایی متفاوت از واژه مبدأ، عدم توجه به معانی اصطلاحی واژه‌ها و نادیده‌گرفتن بار فرهنگی کلمات بر می‌گردد. همچنین ترجمه تحت‌اللفظی که یکی از آفت‌های رایج در ترجمه است، عمدتاً نشانگر عدم آشنایی مترجم به دو زبان مبدأ و مقصد است. لازم به ذکر است که ترجمه تحت‌اللفظی می‌تواند در مواردی از جمله نارسایی‌های شکلی به شمار آید، ولی در بسیاری از موارد این نوع از ترجمه موجب ایجاد اشکال

مفهومی در ترجمه می‌گردد. از این‌رو، ترجمه تحت‌اللفظی به عنوان زیربخش ترجمه تحت‌اللفظی قلمداد گردید.

نارسایی شکلی به عنوان مشکل عمده دیگر متن‌های ترجمه‌ای، بیانگر نارسایی در برگردان متن اصلی به زبان مقصد است. این نقیصه تا حدودی از عدم تسلط مترجم به ادبیات فارسی و همچنین عدم درک تفاوت‌های زبان‌شناسی میان زبان متن اصلی و زبان فارسی ناشی می‌شود. نارسایی شکلی و یا مشکل در شیوایی اثر ترجمه‌ای، گاه به دلیل عبارت‌پردازی نامناسب در برگردان متن اصلی به زبان مقصد، به وقوع می‌پیوندد. استفاده از واژگان ثقیل و همچنین استفاده از جمله‌های طولانی نیز می‌تواند موجب ایجاد این مشکل گردد. در نهایت، نارسایی شکلی می‌تواند معلول مشکلات ویرایشی باشد.

نمودار (۱): محورهای کلی ارزیابی متن‌های ترجمه‌ای



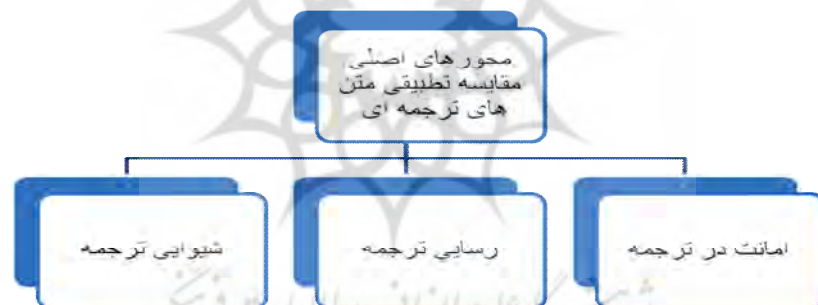
محورهای مقایسه تطبیقی بین ترجمه‌ای

هنگامی که سخن از بررسی تطبیقی متن‌های ترجمه‌ای به میان می‌آید، به طور عمده تطبیق یک متن ترجمه‌ای با متن اصلی آن به ذهن متبادر می‌شود. در این میان کمتر از مقایسه دو یا چند ترجمه از یک متن، سخنی به میان می‌آید. مقایسه تطبیقی ترجمه‌های صورت‌گرفته از یک متن را می‌توان الگویی خاص از بررسی تطبیقی متون ترجمه‌ای قلمداد کرد که در ارزیابی‌های متون ترجمه‌ای کمتر بدان توجه شده است. بررسی مقایسه‌ای چند ترجمه از یک متن را می‌توان «مقایسه تطبیقی بین ترجمه‌ای» نام گذاشت.

آنچه مقایسه بین ترجمه‌ای را از بررسی تطبیقی ترجمه متفاوت می‌کند، برجستگی و مزیت خاص این نوع بررسی است. مقایسه تطبیقی بین ترجمه‌ای می‌تواند به طور ملموس، نقاط قوت و ضعف ترجمه‌های متعدد ارائه‌شده از یک متن را نمایان کند. در یک پژوهش تطبیقی بین ترجمه‌ای، محقق با مقابله دو یا چند ترجمه با متن اصلی، می‌تواند میزان توانایی مترجمان را محک زده و بر قابلیت‌های ترجمه‌ای خود بیفزاید. متأسفانه در کتاب‌های اصول ترجمه، کمتر به مطالعه‌های تطبیقی چند ترجمه‌ای توجه شده و به همین دلیل الگوی خاصی برای مقایسه و ارزیابی چند متن ترجمه‌ای از یک اثر ارائه نشده است. شاید بتوان عدم توجه به مقایسه‌های بین ترجمه‌ای را ناشی از مشکل بودن و زمان بر بودن مطالعات تطبیقی دانست.

برای ارائه الگویی منسجم جهت مقایسه بین ترجمه‌ای، می‌توان از معیارهای مطرح‌شده جهت ارزیابی متن‌های ترجمه‌ای که در بخش قبل بدان اشاره شد، استفاده نمود، ولی استفاده از آن چارچوب، به دلیل گستردگی و پراکندگی معیارهای مورد اشاره، ممکن است ارزیابی نهایی بین متن‌های ترجمه‌ای را با

مشکل مواجهه نماید. برای غلبه بر این مشکل می‌توان معیارهای مقایسه بین ترجمه‌ای را در سه عنوان و یا محور اساسی خلاصه کرد. این محورها، همان‌گونه که در نمودار (۲) آمده است، عبارت است از: امانت در ترجمه، رسایی ترجمه (توانایی در انتقال مفاهیم ارائه شده در متن اصلی) و شیوایی ترجمه. امانت در ترجمه، به صورت عمده بیانگر میزان وفاداری مترجم به نویسنده متن اصلی است. در این خصوص ترجمه کاملاً تحت‌اللفظی و یا ترجمه بسیار آزاد را می‌توان دو گونه انحراف واضح از وفاداری به متن اصلی انگاشت. رسایی ترجمه عبارت است از: قابلیت متن ترجمه شده در بیان مقصود و منظور نویسنده. رسایی ترجمه در مورد متون علمی اهمیت زیادی دارد و منعکس‌کننده میزان آشنایی مترجمان با مباحث علمی مطرح شده در متن اصلی است. همچنین شیوایی ترجمه به طور عمده به نحوه برگرداندن منظور نویسنده به زبان مقصد اشاره دارد. مقایسه متون ترجمه‌ای بر اساس موفقیت آنها در ارائه ترجمه‌ای شیوا از یک متن می‌تواند میزان تسلط مترجمان به زبان مبدأ و زبان مقصد و همچنین چیره‌دستی آنان در برگرداندن سلیس متن از زبان اصلی به زبان مقصد را نشان دهد.



کتاب Development as Freedom نوشته اقتصاددان هندی تبار و برنده جایزه نوبل در سال ۱۹۹۸، آمارتیا سن را می‌توان اثری بین رشته‌ای قلمداد کرد که در آن نویسنده با بهره‌گیری از مباحث فلسفی، اخلاقی و سیاسی به موضوع اقتصاد توسعه می‌پردازد. در واقع یکی از دلایل موفقیت نویسنده در کسب جایزه نوبل را می‌توان همین دیدگاه بین رشته‌ای او و بخصوص دستاوردهای بدیع او در مطالعات اخلاق و اقتصاد دانست. آمارتیا سن در کتاب مورد اشاره که در سال ۱۹۹۹ منتشر گردید، تلاش می‌کند تا با ایجاد ارتباط بین دو مفهوم «توسعه» و «آزادی»، پلی میان دیدگاه‌های سیاسی در مورد آزادی و مباحث متعارف در اقتصاد توسعه بزند. به بیان کوتاه، وی برخلاف دیدگاه رایج اقتصادی، توسعه را همسنگ با آزادی، بلکه به معنای آزادی می‌گیرد. اثر مزبور، به فاصله یک سال به دست دو مترجم ترجمه شده و به وسیله دو ناشر معتبر به زیور طبع آراسته شده است. این اثر در سال ۱۳۸۱ شمسی به دست آقای وحید محمودی با عنوان «توسعه به مثابه آزادی» ترجمه شده که انتشارات «دستان» به انتشار آن مبادرت کرده است. یک سال بعد - در سال ۱۳۸۲ - آقای حسن فشارکی نیز کتاب مزبور را با عنوان «توسعه و آزادی» به فارسی برگردانده و مرکز چاپ و انتشارات وزارت امور خارجه آن را به چاپ رسانیده است.

برای بررسی تطبیقی این دو ترجمه، ابتدا به تفصیل به ارزیابی نارسایی‌های (و یا نقاط قوت) مفهومی و شکلی این دو ترجمه بر اساس معیارهای مطرح شده بخش قبل می‌پردازیم. این بررسی زمینه‌ساز مقایسه و ارزیابی کلی دو ترجمه مزبور بر اساس سه محور عمده امانت در ترجمه، نارسایی ترجمه و شیوایی ترجمه که در بخش بعد ارائه می‌گردد، خواهد بود. در این بررسی، به منظور

ملموس تر شدن مباحث، شواهدی از دو ترجمه مزبور از فصل‌های دوم، سوم، چهارم، پنجم، نهم و یازدهم کتاب می‌آوریم.

۲. نارسایی‌های مفهومی

نارسایی مفهومی زمانی اتفاق می‌افتد که مترجم نتواند به خوبی منظور نویسنده متن اصلی را به خوانندگان منتقل کند. این نقیصه، همان‌گونه که پیش از این اشاره شد، می‌تواند در اثر عواملی همچون خطا در انتقال مفهوم، گسستگی و عدم انسجام در ترجمه، اشتباه در واژه‌گزینی و یا ترجمه تحت‌اللفظی رخ دهد. با بررسی دو ترجمه آقایان محمودی و فشارکی از کتاب *Development as Freedom* نوشته آمارتیا سن می‌توان مواردی از نارسایی‌های مفهومی را آن‌گونه که در ادامه می‌آید، مشاهده نمود.

۱. خطا در انتقال مفهوم

از ویژگی‌های اصلی یک ترجمه خوب آن است که مترجم بتواند به خوبی مقصود نویسنده در متن اصلی را به خواننده منتقل کند. خطا در انتقال مفهوم در متن‌های علمی عمدتاً به سبب عدم تسلط مترجم به مباحث علمی ارائه‌شده توسط نویسنده رخ می‌دهد. این اشکال همچنین ممکن است در اثر فزونی و یا جاافتادگی در ترجمه، ترجمه نادرست عبارات‌ها، و یا ترجمه نامفهوم جمله‌ها رخ دهد.

الف. ترجمه نادرست مفاهیم علمی

وجود نمونه‌های بسیاری از ترجمه نادرست عبارات‌های حاوی مباحث علمی در دو ترجمه آقایان فشارکی و محمودی، نشانگر عدم تسلط کامل آنها به مباحث علمی مطرح‌شده توسط نویسنده کتاب می‌باشد. این نقیصه به صورت واضح‌تری در ترجمه آقای فشارکی با عنوان «توسعه و آزادی» به چشم می‌خورد. در بررسی این نوع اشکال می‌توان از برگردان عنوان کتاب توسط دو مترجم آغاز کرد. شاید

چندان نیاز به توضیح نباشد که معادلی که آقای فشارکی به کار برده، یعنی «توسعه و آزادی»، معادل درستی نیست. می‌توان یکی از دلایل اشتباه آقای فشارکی در انتخاب معادل را در عدم آشنایی کامل ایشان با ایده کلی نویسنده کتاب دانست. یکی از محوری‌ترین استدلال‌های آمارتیاسن در این کتاب این است که می‌توان آزادی را به مفهوم خاصی که وی از آن ارائه می‌دهد، آیینۀ تمام‌نمای توسعه قلمداد کرد. از این‌رو، منظور نویسنده در عنوان کتاب «آزادی و توسعه»، آن‌گونه که آقای فشارکی معنا کرده، نیست، بلکه منظور وی، همان‌طور که آقای محمودی به درستی متوجه شده، «توسعه به مثابه آزادی» است.

گذشته از مشکل در انتخاب عنوان کتاب، مترجمان در موارد دیگری هم دلیل عدم تسلط بر مفاهیم علمی، به ویژه مباحث اقتصادی، دچار خطا در انتقال مفهوم شده‌اند. به نظر می‌رسد که مترجمان علاوه بر اینکه آشنایی کاملی با مباحث و اصطلاحات اقتصادی نداشته‌اند، اطلاع چندانی هم از مباحث بین‌رشته‌ای ارائه شده توسط آمارتیاسن، به ویژه در حوزه اخلاق و اقتصاد، اخلاق و حقوق و اخلاق و سیاست نداشته‌اند. یکی از مواردی که به روشنی عدم احاطه علمی مترجمان نسبت به مباحث علمی را نشان می‌دهد، خطای فاحش آقای فشارکی در ترجمه اصطلاح «deontological codes» است که معادل آن را در فارسی «ضوابط ضد هستی‌شناسی» آورده‌اند. وی عبارت زیر را چنین ترجمه می‌کند:

In Italian discussion on this subject, the role of what have been called “deontological codes” has been much invoked in public discussions (Sen 1999, 267).

ترجمه: در ایتالیا بحث و جدل حول این موضوع، نقش آنچه «ضوابط ضد

هستی‌شناسی» نامیده می‌شود، در مباحث عمومی مطرح بوده است.^۷

به نظر می‌رسد که مترجم دلیل ناآشنایی با مباحث فلسفه اخلاق، واژه «deontological» را ترکیبی از «de» و «ontological» تلقی کرده و هر یک از این

دو واژه را بر اساس معنای لغوی آنها (ضد+ هستی‌شناسانه) ترجمه کرده است، در حالی که «deontology» به معنای علم اخلاق و «deontological codes» به معنای معیارهای اخلاقی است. در ترجمه آقای محمودی عبارت مزبور به «قوانین وظیفه‌شناسی» ترجمه شده است:

در بحث‌های عمومی درباره این موضوع در ایتالیا، بیشتر به نقش قوانینی موسوم به «قوانین وظیفه‌شناسی» استناد کرده‌اند.^۹

گرچه ترجمه «deontology» به علم وظیفه‌شناسی توسط آقای محمودی ترجمه مناسب‌تری است، ولی این ترجمه گویای منظور نویسنده نیست. البته باید توجه کرد که «deontology» به رویکردی در فلسفه اخلاق اشاره دارد که بر اساس آن اخلاق به بیان وظایف اخلاقی افراد در قالب بایدها و نبایدهای مشخص می‌پردازد. علی‌رغم اینکه نویسنده دارای دیدگاهی عقل‌گرایانه و کانتی‌مشرک در حوزه فلسفه اخلاق است، وی در این قطعه از سخنش به دنبال تبیین تأثیر معیارها و هنجارهای اخلاقی در کنترل مافیا در ایتالیاست و نظری به مباحث ریز اخلاقی ندارد.

نمونه دیگری از این نوع خطا را می‌توان در ترجمه عنوان Externality, values and communication^۹ توسط آقای فشارکی به «خارجیت، ارزش‌ها و ارتباطات» اشاره کرد.^{۱۰} کسانی که آشنایی اندکی با مباحث اقتصاد رفاه دارند، می‌دانند که اصطلاح «Externality» در اقتصاد با عنوان «مزایا و معایب بیرونی» شناخته شده؛ مفهومی که به هیچ وجه با واژه «خارجیت» به خواننده منتقل نمی‌شود. آقای محمودی عبارت مزبور را به «عوامل بیرونی، ارزش‌ها و ارتباطات»^{۱۱} ترجمه کرده که ترجمه‌ای گویاتر از مفهوم اصطلاحی مزبور است. لازم به ذکر است که آنچه در این مدخل تحت عنوان «ترجمه نادرست مفاهیم علمی» مطرح شد عمدتاً نظر به مواردی دارد که در آن مترجمان به سبب

ناآشنایی با مباحث علمی، از تبیین مقصود نویسنده باز مانده‌اند. درک نادرست از مفاهیم علمی غالباً با اشتباه در واژه‌گزینی، بخصوص انتخاب معادل‌های فارسی نامناسب برای واژگان اصطلاحی همراه است. با توجه به اهمیت اشتباه در واژه‌گزینی، ما آن را به طور مستقل و به عنوان یکی دیگر از عواملی که می‌تواند موجب نارسایی مفهومی ترجمه گردد، مطرح می‌کنیم. در این میان نارسایی در ترجمه به دلیل ترجمه نادرست واژگان اصطلاحی، تنها یکی از موارد اشتباه در واژه‌گزینی است.

ب. ترجمه اشتباه واژه‌ها و عبارات

خطا در انتقال مفهوم می‌تواند در اثر ناتوانی مترجم در ترجمه درست واژه‌ها و یا عبارت‌های به کاررفته در متن اصلی رخ دهد. به طور نمونه، آقای فشارکی در ترجمه عبارت زیر، کلمه «passions» را که به معنای «غرایز» است، به اشتباه به «هیجانان» ترجمه کرده است.

who saw capitalism as a kind of replacement of passions by interest¹²

ترجمه: سرمایه‌داری را به مثابه نوعی جایگزین کردن «منافع» به جای «هیجانان» تلقی می‌کردند.^{۱۳}

روشن است که هیجان در زبان انگلیسی معادل کلمه «emotions» بوده و تفاوتی اساسی با غرایز دارد. در حالی که غرایز، واکنش‌های زیستی انسان‌ها همچون تمایل آنان به برطرف کردن گرسنگی و تشنگی را منعکس می‌کند، هیجانان به اموری چون شادی، خشم، ترحم و... اشاره دارند.

ترجمه آقای محمودی نیز از این خطا مصون نبوده است. ترجمه نادرست

کلمه «adversity» در عبارت زیر از جمله آن موارد است:

Second, there can be some “coupling” of disadvantages between (1) income deprivation and (2) adversity in converting income into functioning.¹⁴

ترجمه: دوم، برخی نارسایی‌ها می‌تواند بین ۱. محرومیت درآمدی، ۲. گونه‌گونی در تبدیل درآمد به عملکردها وجود داشته باشد.^{۱۵}

در متن بالا، مترجم کلمه «adversity» را به اشتباه به «گونه‌گونی» ترجمه کرده است، در حالی که واژه مذکور به معنای «مشقت و سختی» است. گذشته از آن، مترجم با ترجمه تحت‌اللفظی عبارت «adversity in converting income functioning» ترجمه‌ای بسیار مبهم و غیرقابل فهم را بیان کرده است. ترجمه آقای فشارکی از این عبارت بسیار نامفهوم‌تر است. وی جمله مزبور را چنین ترجمه می‌کند:

ثانیاً ممکن است چند فقره از این وضعیت‌های نامساعد در میان (۱) محرومیت درآمدی، (۲) و بداقبالی در تبدیل درآمد به عملکردها، با هم توأم شود.^{۱۶}

با توجه به نظریه خاص نویسنده در مورد توسعه اقتصادی که به «دیدگاه قابلیت» موسوم است، منظور وی از نارسایی دوم «وجود مشکل در تبدیل درآمد به قابلیت و توانمندی» است. جالب آنکه نویسنده در چند جمله بعد همین مفهوم را به روشنی بیان می‌کند:

But they also make it harder to convert income to capability.¹⁷

ترجمه: اما آنها (منظور معلولیت‌ها، بیماری، سالخوردگی و ...) موجب می‌شوند که تبدیل درآمد به قابلیت مشکل‌تر شود.

نمونه روشنی دیگر از ترجمه نادرست کلمات را می‌توان در صفحه ۴۴ ترجمه آقای فشارکی یافت. وی با کم‌دقتی عبارت «East Asian» را به جنوب آسیا ترجمه می‌کند:

The so-called east Asian miracle involving other countries in East Asia,¹⁸

ترجمه: آنچه معجزه جنوب آسیا لقب گرفت و در سایر کشورهای جنوب آسیا نیز رخ داد، ...^{۱۹}

این نکته کاملاً مشخص است که east به معنای شرق بوده و همان‌گونه که آقای محمودی^{۲۰} نیز در ترجمه خود آورده، ترجمه صحیح عبارت مزبور «شرق آسیا» خواهد بود.

در بخشی دیگر، آقای فشارکی در ترجمه عبارت^{۲۱} Empowerment of young women مرتکب اشتباه دیگری می‌شود و آن را به «اختیارمندی زنان جوان» ترجمه می‌کند.^{۲۲} در مقابل، آقای محمودی ترجمه بهتری ارائه می‌دهد و آن را به «قدرت بخشیدن به زنان جوان»^{۲۳} معنا می‌کند؛ هرچند که این ترجمه نیز گویای مقصود نویسنده نیست. بنا بر دیدگاه خاص نویسنده در مورد توسعه اقتصادی که پیش از این به آن اشاره شد (دیدگاه قابلیت یا توانمندی)، منظور آمارتیا سن از این عبارت، توانمندسازی زنان جوان است. اشتباه در ترجمه فعل در جمله زیر نیز موجب خطا در بیان منظور نویسنده شده است:

...justice is a central concept in identifying the aims and objectives of public policy and also in deciding on the instruments that are appropriate in pursuing the chosen ends.²⁴

ترجمه: ... عدالت یکی از مفاهیم اصلی در شناسایی خواسته‌ها و اهداف سیاست عمومی و همچنین تصمیم‌گیری در مورد ابزارهایی است که برای ادامه اهداف انتخاب‌شده مفیدند.^{۲۵}

ترجمه: مفهوم عدالت برای شناخت اهداف و غایات سیاست‌گذاری عمومی بسیار مهم است و نیز برای تعیین ابزاری که برای رسیدن به اهداف برگزیده مناسب باشد.^{۲۶}

ترجمه نادرست کلمه «identify» در ترجمه آقای محمودی به «شناسایی» و ترجمه آقای فشارکی از آن به «شناخت» موجب نارسایی در بیان منظور نویسنده شده است، در حالی که ترجمه صحیح آن «تعیین» می‌باشد؛ زیرا نویسنده در

صدد آن نیست که عدالت را عنصری مؤثر در شناسایی اهداف سیاست‌گذاری معرفی کند، بلکه می‌خواهد نقش عدالت را در تعیین اهداف مشخص نماید. و بالأخره ترجمه نادرست کلمه «premature» در دو ترجمه زیر، نشانگر عدم دقت مترجمان در برگردان منظور نویسنده به زبان فارسی است:

While the Malthusian long-run fears about food output are baseless, or at least premature, there are good reasons to worry about the rate of growth of world population in general.²⁷

ترجمه: هرچند که ترس بلندمدت، ناشی از تفکر مالتوس در مورد تولید مواد غذایی بی‌پایه و یا حداقل نارس است، دلایل فراوانی در دسترس هست که نشان می‌دهد به طور کلی باید در مورد میزان رشد جمعیت جهان نگران بود.^{۲۸}

ترجمه: با اینکه نگرانی‌های مالتوس در مورد بازدهی مواد غذایی، در بلندمدت بی‌پایه یا دست کم نا به هنگام هستند، ولی باز دلایل محکمی برای نگرانی از بابت آهنگ رشد جمعیت جهانی، به طور کلی، وجود دارد.^{۲۹}

در ترجمه آقای فشارکی، کلمه «premature» به اشتباه به «نا بهنگام» ترجمه شده است. گرچه ترجمه واژه مزبور به «نارس» توسط آقای محمودی ترجمه مناسب‌تری است، ولی این عنوان کمتر در مورد اندیشه و نظریه به کار می‌رود. از این‌رو، مناسب‌تر بود که واژه مزبور به «حساب نشده»، آن‌گونه که در ترجمه پیشنهادی زیر آمده، ترجمه گردد:

ترجمه: هرچند نگرانی پیروان مالتوس در مورد تولید مواد غذایی، بی‌پایه و یا لاقط حساب نشده است، ولی در مجموع هنوز دلایل فراوانی برای نگرانی از نرخ رشد جمعیت جهان وجود دارد.

۴. درک نادرست از ساختار جمله

ترجمه نادرست یک عبارت، گاه به موجب درک نادرست مترجم از ساختار جمله پدید می‌آید. این مشکل می‌تواند در اثر عدم تسلط کامل مترجم به قواعد

زبان مبدأ، و در مواردی نیز در اثر سهل‌انگاری و یا شتابزدگی در ترجمه روی دهد. به نمونه زیر توجه کنید:

The poverty-stricken electorate of India showed no less interest in voting against coercive violation of political, civil, and reproductive rights than it takes in protesting against economic and social inequality.³⁰

ترجمه: رأی‌دهندگان فقیر هندوستان هیچ گونه تمایلی برای رأی‌دادن بر علیه نقض فشار در زمینه حقوق سیاسی، مدنی و تولیدمثل نداشتند؛ برعکس علیه نابرابری اقتصادی و اجتماعی اعتراض نمودند.^{۳۱}

براساس ترجمه آقای محمودی، رأی‌دهندگان فقیر هندی تنها با نابرابری اقتصادی و اجتماعی مخالفند و هیچ مخالفتی با نابرابری‌های سیاسی و مدنی ندارند. با توجه به متن می‌توان خلاف این امر را دریافت؛ زیرا نویسنده معتقد است:

تمایل رأی‌دهندگان فقیر هندی به رأی‌دادن بر ضد پایمال‌شدن حقوق سیاسی، مدنی و حق تولیدمثل، کمتر از تمایل آنان به مخالفت با نابرابری اقتصادی و اجتماعی نبود.

به نظر می‌رسد که اشتباه آقای محمودی در ترجمه نادرست منظور نویسنده، ریشه در درک نادرست ساختار جمله دارد. مترجم بدون در نظر گرفتن کلمه «less» تصور کرده که نویسنده به دنبال نفی علاقه رأی‌دهندگان فقیر هندی به رأی‌دادن بر ضد پایمال‌شدن حقوق سیاسی، مدنی و حق تولید مثل آنهاست. برای نمونه‌ای دیگر که در آن خطای انتقال مفهوم در اثر درک نادرست ساختار جمله به وجود آمده، می‌توان به ترجمه جمله زیر، توسط آقای محمودی اشاره کرد:

The search for a single all-purpose remedy (such as "open the markets" or "get the prices right") has had much hold on professional thinking in the past, not least in the World Bank itself.³²

ترجمه: جست‌وجوی راه‌حلی همه‌جانبه (مانند بازکردن بازارها یا تصحیح قیمت‌ها)، در گذشته بیشتر میان متفکران حرفه‌ای رایج بود و حتی در بانک جهانی این مسئله مطرح نبود.^{۳۳}

با توجه به متن اصلی، می‌توان فهمید که منظور نویسنده نفی جست‌وجوی راه حل همه‌جانبه توسط بانک جهانی نیست، بلکه منظور او این است که جست‌وجوی یک راهکار همه‌منظوره تنها به بانک جهانی مربوط نمی‌شود، بلکه متفکران پیشین نیز به دنبال این مسئله بوده‌اند. ترجمه آقای فشارکی تا حدودی به این منظور نزدیک شده است، هرچند که ترجمه ایشان چندان گویا نیست و شکل ترجمه کاملاً تحت‌اللفظی را به خود گرفته است.

ترجمه: جست‌وجوی راه‌حلی همه‌منظوره (نظیر آزادسازی بازارها یا تصحیح قیمت‌ها) تأثیر زیادی بر طرز تفکر حرفه‌ای در گذشته و همچنین بر خود بانک جهانی داشته است.^{۳۴}

نمونه زیر نیز شاهدهی گویا از عدم درک صحیح مترجمان از ساختار جمله و به تبع آن ارائه ترجمه نادرست جمله است:

Since the concentration is entirely on the total utility of every one taken together...

ترجمه: چون کانون توجه آن فقط مطلوبیت کل هر فرد است.^{۳۵}
ترجمه: زیرا تمرکز آن تماماً بر کل فایده‌ای است که نصیب هر کس می‌شود.^{۳۶}

مشخص است که آقای محمودی به موجب اشتباه در تعیین متعلق اصطلاح «taken together» ترجمه‌ای نادرست از جمله مزبور ارائه داده است. با اندک دقتی می‌توان فهمید که نویسنده در این جمله به «مطلوبیت کل افراد» و نه «مطلوبیت کل هر فرد» اشاره دارد. گرچه ترجمه آقای فشارکی به گونه مناسب‌تری صورت گرفته، ولی این ترجمه نیز گویای منظور نویسنده نیست؛ زیرا وی علاوه بر ترجمه نادرست کلمه «utility»، به فایده، به جای مطلوبیت،

ترجمه‌ای بسیار تحت‌اللفظی از جمله ارائه می‌دهد. بهتر بود که عبارت مزبور به این صورت ترجمه می‌شد: «زیرا تمرکز آن بر مطلوبیت کل افراد است.» و برای مثال می‌توان به ترجمه کاملاً معکوس عبارت زیر توسط آقای فشارکی اشاره کرد:

Condorcet focused on the latter, Becker on the former.³⁷

ترجمه: کندرسه بر هدف اولی و بکر بر هدف ثانوی تأکید دارد.^{۳۸}

بسیار واضح است که در متن بالا کلمه «latter» به هدف دوم و کلمه «former» به هدف اول برمی‌گردد. از این‌رو، منظور نویسنده از این عبارت کاملاً عکس ترجمه آقای فشارکی است: «کندرسه بر هدف دوم و بکر بر هدف اول تأکید دارند». ترجمه عبارت زیر توسط آقای محمودی نیز می‌تواند از مصادیق ناتوانی مترجم در درک ساختار جمله تلقی شود:

In this respect, China was not very far from the basic educational situation in South Korea or Taiwan.³⁹

ترجمه: البته چین در زمینه آموزش اولیه از کره جنوبی و تایوان جلوتر نبود.^{۴۰}

از ترجمه بالا چنین فهمیده می‌شود که نویسنده می‌خواهد عدم برتری چین نسبت به کره جنوبی و تایوان را در آموزش اولیه القا کند. با نگاهی به متن اصلی می‌توان دریافت که منظور نویسنده این است که چین در زمینه آموزش عقب‌تر از آن دو کشور نبوده است. در ترجمه آقای فشارکی به این نکته توجه شده و عبارت چنین ترجمه شده است:

در آن زمان؛ وضعیت آموزش در چین خیلی عقب‌تر از وضعیت آموزش در کره

جنوبی یا تایوان نبوده است.^{۴۱}

تفاوت در دو ترجمه، ناشی از دو برداشت متفاوت از ترکیب «China was not very far from...» است. وقتی گفته می‌شود: کشور چین در زمینه آموزش خیلی

دورتر از دو کشور دیگر نبوده، یعنی از آنها خیلی فاصله ندارد. پس منظور نویسنده نفی پایین‌تر بودن سطح آموزش در چین است و نه نفی پیشرفته‌تر بودن آن. خطای در ترجمه آقای محمودی از ترجمه نامناسب ترکیب مورد اشاره و تبدیل نفی مفهومی منفی (عقب‌تر نبودن) به نفی مفهومی مثبت (جلوتر نبودن) نشأت می‌گیرد.

در همین راستا، به ترجمه جمله زیر توسط آقای فشارکی توجه کنید:

Furthermore, when we consider food problems at the global level (rather than at the national or local level), there is obviously no opportunity of getting food from “outside” the economy.⁴²

ترجمه: از آن گذشته، زمانی که به مشکلات غذا در سطح جهانی (و نه در سطح ملی یا محلی) می‌اندیشیم، بدیهی است که هیچ‌بختی برای کسب غذا «خارج» از نظام اقتصادی وجود ندارد.^{۴۳}

به نظر می‌رسد که منظور نویسنده از «no opportunity of getting food from “outside” the economy» عدم وجود شانس برای تهیه غذا خارج از «نظام اقتصادی» نیست، بلکه منظور او، به قرینه صدر جمله این است که وقتی به مشکل غذا در سطح جهانی می‌پردازیم، هیچ راهی برای دستیابی به غذا خارج از «اقتصاد جهانی» وجود ندارد.

د. تغییر در لحن نویسنده

خطا در انتقال مفهوم می‌تواند به دلیل تغییر در لحن و سبک نویسنده رخ دهد. نمونه مشهود این خطا، تبدیل لحن خبری به لحن ارشادی است. به نمونه زیر در ترجمه آقای فشارکی توجه کنید:

Acceptable social rules would tend to take notice of a variety of other relevant facts in judging the division of the cake.⁴⁴

ترجمه: هنگام داوری درباره تقسیم کیک، آن حکم‌های اجتماعی را می‌توان پذیرفت که به دیگر اطلاعات و حقایق دخیل نیز عنایت دارند.^{۴۵}

با اندک توجهی می‌توان دریافت که نویسنده در مقام ارزشیابی مقررات و هنجارهای اجتماعی، آن‌گونه که در ترجمه آقای فشارکی منعکس شده، نیست، بلکه وی در نظر دارد تا نقش هنجارهای اجتماعی در رفتاری همچون توزیع کیک بین چند نفر را بیان کند. از این رو، ترجمه درست جمله مزبور از این قرار است: مقررات و هنجارهای اجتماعی مقبول، غالباً واقعیات مربوط دیگری را در مقام قضاوت درباره تقسیم و توزیع کیک را در نظر می‌گیرند.

نمونه زیر نیز می‌تواند منعکس‌کننده خطا در تغییر سبک نویسنده باشد:

Indeed, in societies in which corrupt behavior of the standard type is quite unusual, the reliance is, to a great extent, on compliance with codes of behavior rather than on financial incentives to be noncorrupt.⁴⁶

ترجمه: در واقع، در جوامعی که رفتار مبتنی بر فساد مالی از نوع استاندارد و مشخص نیست، اتکا به ضوابط رفتاری تا حدود زیادی بر انگیزه مالی برای بازدارندگی از رشوه‌خواری و فساد مالی مزیت دارد.^{۴۷}

ترجمه: در واقع، در جوامعی که رفتار فاسد از نوع متعارف، در آنها از حد معمول بیشتر است، برای فاسدنبودن باید به میزان زیادی، بیش از انگیزه‌های مالی به رعایت قوانین رفتار تکیه کرد.^{۴۸}

در هر دو ترجمه صورت گرفته از متن بالا، مفهوم خبری مورد نظر نویسنده به مفهومی دستوری و یا ارشادی تبدیل شده است. در این جمله، نویسنده به دنبال توصیه در مورد شکل خاصی از برخورد با فساد نیست، بلکه در صدد است این نکته را مطرح کند که در جوامعی که دچار فساد سازمان‌یافته نیستند، تمرکز عمده روی تبعیت قواعد رفتاری و نه انگیزه‌های مالی برای جلوگیری از فساد است. گذشته از تغییر لحن نویسنده، ترجمه‌های صورت گرفته توسط آقایان فشارکی و

محمودی به مشکلاتی همچون ترجمه تحت‌اللفظی، ترجمه نامفهوم و حتی ترجمه نادرست منظور نویسنده گرفتار است. محض نمونه، آقای فشارکی به اشتباه متعلق حکم نویسنده را جوامعی گرفته که در آنها فساد از حد معمول بیشتر است، در حالی که نویسنده عکس این مطلب را در نظر دارد و به جوامعی اشاره دارد که سطح فساد در آنها چندان بالا نیست. آقای محمودی نیز به اشتباه، منظور نویسنده را جوامعی تلقی کرده است که فساد مالی از نوع استاندارد و مشخص نیست، که ترجمه‌ای تحت‌اللفظی و بلکه نادرست را بیان کرده است.

ه. ترجمه نامفهوم جمله‌ها

ترجمه نامفهوم یک جمله و یا عبارت می‌تواند خواننده را در فهم منظور نویسنده با مشکل مواجه کند. این اشکال ممکن است به دلیل ناتوانی مترجم در درک منظور نویسنده، عدم تسلط به زبان فارسی و یا به دلیل وفاداری بیش از حد به مولف به وجود آید. ترجمه نامفهوم جمله زیر توسط آقای فشارکی بسیار مشهود است:

The compatibility of the market mechanism with a wide range of values is an important question, and it has to be faced along with exploring the expansion of institutional arrangements beyond the limits of the pure market mechanism.⁴⁹

ترجمه: با این توجه که سازوکار بازار باید با طیف وسیعی از ارزش‌ها سازگار باشد، مسئله مهمی که باید همراه با بررسی گسترش ساماندهی‌های نهادی فراتر از مرزهای سازوکار بازار محض با آن روبه‌رو شد.^{۵۰}

مشخص است که ترجمه بالا بسیار مبهم است و به هیچ وجه نمی‌تواند منعکس‌کننده منظور نویسنده باشد. علاوه بر این، ترجمه آقای فشارکی از نظر ساختاری کامل نیست؛ به گونه‌ای که خواننده در انتهای جمله، هنوز منتظر عبارتی است که جمله ابتدایی ایشان را کامل کند. در این زمینه آقای محمودی، در ترجمه‌ای که در ادامه می‌آید، به نحو بهتری عمل کرده، ولی ترجمه ایشان نیز خالی از اشکال نیست:

تطابق سازوکار بازار با رشته وسیعی از ارزش‌ها مسئله مهمی است و باید با کاوش برای گسترش ترتیبات نهادی که فراتر از محدودیت سازوکار بازار محض است، همراه شود.^{۵۱}

گرچه ترجمه آقای محمودی، مشکل حاد موجود در ترجمه آقای فشارکی را ندارد، ولی ترجمه ایشان نیز نتوانسته به خوبی منظور نویسنده را منعکس کند. وی به اشتباه عنوان می‌کند که ترتیبات نهادی، فراتر از محدودیت‌های سازوکار بازار محضند. این در حالی است که نویسنده تنها به لزوم بررسی ترتیبات نهادی خارج از محدودیت‌های سازوکار بازار محض، اشاره دارد. شاید بتوان عبارت نویسنده را به شکلی گویا و روان، به صورت زیر برگرداند:

سازگاری میان سازوکار (مکانیسم) بازار و طیف گسترده ارزش‌ها مسئله‌ای حائز اهمیت است که باید در کنار کندوکاو در بسط ترتیب‌های نهادی خارج از محدودیت‌های سازوکار بازار محض بدان پرداخت.

به نمونه دیگری از ترجمه نامفهوم جمله‌ها در ترجمه آقای فشارکی توجه کنید:

In this utilitarian view injustice consists in aggregate loss utility compared with what could have been achieved.⁵²

ترجمه: در این چشم‌انداز، بی‌عدالتی عبارت است از آفت جمعی فایده در قیاس با دستاوردهایی که حصولشان ممکن بوده است.^{۵۳}

ترجمه: در این دیدگاه از مطلوبیت‌گرایی، بی‌عدالتی عبارت است از کل مطلوبیت از دست‌رفته در مقایسه با آنچه می‌توانست حاصل شود.^{۵۴}

در ترجمه آقای فشارکی، عواملی همچون ترکیب نامفهوم کلمات و استفاده از معادل‌های نامناسب (همچون «افت»، «فایده») موجب شده تا خواننده در فهم مقصود نویسنده با مشکل مواجه شود. آقای محمودی ترجمه مناسب‌تری کرده است، ولی ترجمه وی نیز چندان سلیس نیست. بهتر بود جمله مزبور را چنین ترجمه می‌کردند:

بر اساس این دیدگاه مطلوبیت گرایانه، بی‌عدالتی عبارت از کاهش در سطح مطلوبیت کل قابل حصول می‌باشد.

مقایسه دو ترجمه آقایان فشارکی و محمودی از عبارت زیر نیز خالی از لطف نیست:

The case for such a complete priority can be disputed by demonstrating the force of other considerations including that of economic needs. Why should the status of intense economic needs which can be matters of life and death be lower than that of personal liberties?⁵⁵

ترجمه: می‌توان در مجموع استدلال‌های مدافع چنین اولویت کاملی، با شرح فشار وارد از دیگر ملاحظات، شامل فشار نیازهای اقتصادی، ایجاد شک نمود. چرا باید شأن نیازهای شدید اقتصادی که می‌توانند مسئله مرگ و زندگی باشند، پایین‌تر از آزادی‌های لیبرالی شخصی باشد؟^{۵۶}

ترجمه: موضوع اولویت کامل این حقوق را می‌توان بانشان دادن ملاحظات دیگر، از جمله نیازهای اقتصادی، زیر سؤال برد. چرا مقام و رتبه نیازهای شدید اقتصادی مربوط به مرگ و زندگی باید از مقام و رتبه آزادی‌های فردی پایین‌تر باشد.^{۵۷}

همان‌گونه که مشخص است، هر دو مترجم به ویژه آقای فشارکی، ترجمه‌ای نامفهوم از کلام نویسنده ارائه کرده‌اند. این مشکل عمدتاً به وجود آورنده ترجمه تحت‌اللفظی، ترجمه نادرست ترکیب‌ها و بالاخره عدم درک منظور نویسنده است. می‌توان ترجمه زیر را ترجمه‌ای گویا و روان از جمله مزبور تلقی کرد:

نشان دادن تأثیر ملاحظات دیگر، از جمله تأثیر نیازهای اقتصادی، می‌توان به سود چنین اولویت‌بندی کاملی در دلایل مناقشه کرد. چرا شأن نیازهای شدید اقتصادی که با زندگی و مرگ افراد در ارتباط‌اند، باید فرومتر از شأن آزادی‌های فردی باشد؟

نمونه دیگری از ترجمه نامفهوم را می‌توان در ترجمه جمله زیر توسط آقایان محمودی و فشارکی یافت:

What makes this widespread hunger even more of a tragedy is the way we have come to accept and tolerate it as an integral part of the modern world, as if it is a tragedy that is essentially unpreventable (in the way ancient Greek tragedies were).⁵⁸

ترجمه: آنچه این گرسنگی گسترده را به تراژدی شبیه می‌سازد، راه و روشی است که آن را جزئی لاینفک از دنیای جدید و آن را تراژدی غیرقابل مهار (مانند تراژدی‌های یونان قدیم) می‌پنداریم.^{۵۹}

ترجمه: آنچه این گرسنگی شایع را بیشتر بدل به یک تراژدی مصیبت‌بار می‌کند، این است که ما چنان آن را می‌پذیریم و تحمل می‌کنیم که انگار جزء لازم و مکمل دنیای مدرن است؛ چنانکه گویی این پدیده اساساً یک تراژدی پیشگیری‌ناپذیر است. (همان‌گونه که تراژدی‌های یونان باستان بودند).^{۶۰}

از میان دو ترجمه مزبور، ترجمه اول بسیار نامفهوم و تحت‌اللفظی است. در ترجمه دوم، مترجم توانسته نظر نویسنده را بهتر بیان کند؛ هرچند که ترجمه وی نیز چندان رسا نیست. می‌توان ترجمه زیر را ترجمه‌ای گویا و شیوا از جمله مورد نظر نویسنده دانست:

آنچه این گرسنگی گسترده را به یک تراژدی تبدیل می‌کند آن است که ما آن را بخشی جدایی‌ناپذیر از دنیای مدرن تلقی کرده و می‌پنداریم که این معطل همانند تراژدی‌های دوران یونان قدیم، غیرقابل پیشگیری هستند.

نمونه‌ای دیگر از ترجمه نامفهوم را می‌توان در ترجمه‌های آقایان فشارکی و محمودی یافت:

There is little evidence that coercion works faster than what can be achieved through voluntary social change and development.⁶¹

ترجمه: شواهد چندانی در دست نیست که سرعت تأثیر روش اعمال زور بیشتر از تغییر و تأثیر به صورت اختیاری باشد.^{۶۲}

ترجمه: شواهد ضعیفی دال بر اینکه اجبار، در قیاس به موفقیت‌های حاصل ناشی از تغییرات اجتماعی اختیاری و توسعه‌ای، سریع‌تر عمل می‌کند، در دست است.^{۶۳}

هرچند ترجمه آقای محمودی بسیار گویاتر از ترجمه آقای فشارکی است، ترجمه وی نیز چندان روان نیست. برای ارزیابی دو ترجمه مزبور، آنها را با ترجمه روان و گویایی که در ادامه می‌آید مقایسه کنید:

شواهد اندکی در دست است که اعمال زور نسبت به آنچه ممکن است از رهگذر تغییر و تحولات اجتماعی ارادی حاصل شود، سریع‌تر کارگر افتد.

ترجمه عبارت زیر توسط آقای فشارکی نیز می‌تواند از مصادیق بارز ترجمه نامفهوم قلمداد شود:

Rules of this kind build on an informational base consisting only of the preference rankings of the persons.⁶⁴

این‌گونه حکم‌ها بر پایه یک پایگاه اطلاع‌رسانی که تنها مبتنی است بر مرتبه‌بندی پسندهای شخصی افراد، پی‌ریزی شده‌اند.⁶⁵

ترجمه نامفهوم جمله بالا به طور عمده حاصل از واژه‌گزینی نامناسب، جمله‌بندی بد عبارت و ترجمه کاملاً تحت‌اللفظی متن می‌باشد. مقایسه این ترجمه با ترجمه آقای محمودی که در ادامه می‌آید، می‌تواند مؤید این امر باشد: «قوانینی از این دست بر پایه اطلاعاتی بنا می‌شوند که تنها با رتبه‌بندی ترجیحی افراد همخوانی دارد».⁶⁶

البته ترجمه آقای محمودی نیز خالی از اشکال نیست؛ زیرا نویسنده می‌خواهد این نکته را بیان کند که قواعدی همانند قاعده تقسیم منافع اقتصادی بر اساس رأی اکثریت، بر اساس پایه‌های اطلاعاتی بنا شده‌اند که در آنها تنها به رتبه‌بندی ترجیحات افراد توجه می‌شود.

ترجمه: قوانینی از این دست بر پایه اطلاعاتی بنا می‌شوند که تنها شامل رتبه‌بندی ترجیحات افراد می‌گردد.

و. جافتادگی و یا فزونی در ترجمه

یکی دیگر از عوامل مؤثر در ایجاد مشکل خطا در انتقال مفهوم، جافتادگی و یا فزونی در ترجمه است. جافتادگی، اشاره به مواردی دارد که در آن مترجم، بخشی از کلام نویسنده را در ترجمه خود منعکس نمی‌کند. در مقابل، فزونی در ترجمه زمانی اتفاق می‌افتد که مترجم کلمات و یا عباراتی را به متن نویسنده می‌افزاید.

ط. افزودن کلمات زاید و نامربوط در ترجمه

افزودن کلمات زاید و نامربوط به متن نویسنده می‌تواند به تبیین نادرست منظور وی گردد. به نمونه زیر توجه کنید:

But-most fundamentally-political liberty and civil freedoms are directly important on their own.⁶⁷

ترجمه: اما، مهم‌تر از همه اینکه، آزادی لیبرالی سیاسی و آزادی‌های مدنی به خودی خود مستقیماً مهمند.⁶⁸

همان‌گونه که ملاحظه می‌شود، آقای فشارکی عبارت «political» را به «آزادی سیاسی لیبرالی» ترجمه کرده است. این در حالی است که نویسنده تنها به «آزادی سیاسی» و «نه آزادی سیاسی لیبرالی» اشاره دارد. اضافه کردن کلمه «لیبرالی» در ترجمه، نه تنها نتوانسته منجر به فهم بهتر مقصود نویسنده شود، بلکه موجب به وجود آمدن تلقی خاصی از مفهوم آزادی، یعنی نوع لیبرالیستی آن شده که ممکن است مد نظر نویسنده نباشد. خوشبختانه آقای محمودی در ترجمه این جمله بهتر عمل کرده و آن را این چنین کرده است: «در اصل، آزادی سیاسی و مدنی به طور مستقیم و فی نفسه، اهمیت دارند.»⁶⁹

ر. جافتادگی در ترجمه

جافتادگی در ترجمه، یکی از مشکلات رایج در متون ترجمه‌ای است که می‌تواند موجب اشکال مفهومی در ترجمه گردد. به نظر می‌رسد که در مواردی

مترجمان به دلیل عدم درک عبارتی، به سادگی آن را در ترجمه خود حذف کرده‌اند. در مواردی نیز مترجم ممکن است عبارت حذف شده را غیرضروری و یا مخل به شیوایی ترجمه قلمداد کند و آن را در ترجمه خود نیاورد. در مورد اخیر، حتی اگر حق با مترجم هم باشد، چنین اقدامی موجب عدم حفظ امانت در ترجمه بوده و کار صحیحی نیست. به نمونه زیر در ترجمه آقای محمودی توجه کنید:

In assessing the market mechanism, it is important to take note of the forms of the markets: whether they are competitive or monopolistic (or otherwise uncompetitive), whether some markets may be missing (in ways that are not easily remediable) and so on.⁷⁰

ترجمه: در ارزیابی سازوکار بازار باید اشکال گوناگون بازار را شناخت. باید دید آیا بازار رقابتی یا انحصاری است. آیا بخشی از بازار اصلاح پذیر است یا نه.^{۷۱}

مترجم، جمله طولانی مزبور را بسیار کوتاه و مختصر ترجمه کرده است. ترجمه کوتاه در صورتی مفید است که جامع و واضح باشد. ترجمه ایشان از وضوح نسبی برخوردار است، اما جامع نیست؛ زیرا نتوانسته منظور نویسنده را به طور کامل برساند. در جمله بالا، نویسنده دو پراتنز باز کرده و از این کار منظور خاصی داشته است. در اولی، وی با آوردن عنوان «یا از جهات دیگر غیررقابتی» به دنبال بیان این نکته است که بازار علاوه بر رقابتی و انحصاری، ممکن است حالت‌های دیگری مانند نیمه‌رقابتی نیز داشته باشد. آقای محمودی با ترکیب پراتنز دوم و عبارت پیش از آن، عملاً ترجمه نادرستی از کلام نویسنده ارائه کرده است؛ زیرا منظور نویسنده، سؤال از اصلاح‌پذیربودن یا نبودن بخشی از بازار نیست، بلکه وی به دنبال القای این نکته است که نادیده‌گرفتن برخی بازارها ممکن است نتایج جبران‌ناپذیری را به دنبال داشته باشد.

برای مثال دیگر می‌توان به ترجمه زیر اشاره کرد:

It was argued in the last chapter that, in analyzing social justice, there is a strong case for judging individual advantages in terms of the capabilities that a person has, that is, the substantive freedoms he or she enjoys to lead the kind of life she has reason to value.⁷²

ترجمه: در فصل پیش، به هنگام تحلیل عدالت اجتماعی اشاره شد که نوعی رویکرد قوی وجود دارد که مزیت افراد را بر حسب قابلیت‌های آنها بیان می‌کند.^{۷۳}

در ترجمه بالا بخش محوری از جمله حذف شده است. در عبارت حذف شده که پس از «that is» آمده، نویسنده منظور خود از قابلیت‌ها و توانمندی‌های افراد را مشخص می‌کند. ترجمه جمله مزبور به همراه بخش حذف شده در ترجمه آقای محمودی از قرار زیر است:

در فصل پیش، استدلال آوردیم که در مقام تحلیل عدالت اجتماعی دلیل قوی‌ای وجود دارد به سود داوری درباره مزیت‌های فردی بر اساس قابلیت‌هایی که هر فرد دارد؛ یعنی همان آزادی‌های اساسی که وی از آنها برخوردار است تا آن نوع از زندگی را سپری کند که در ارزش‌قائل شدن برای آن دلیل دارد.

ت. گسستگی و عدم انسجام در ترجمه

گسستگی و عدم انسجام در ترجمه می‌تواند خوانندگان یک اثر ترجمه‌ای را دچار سردرگمی کرده و آنان را در فهم اثر مزبور با مشکل مواجه نماید. این نوع از نارسایی می‌تواند به خاطر نوسان در نوع ترجمه و یا به دلیل عدم رعایت وحدت در ترجمه، به وقوع بپیوندد.

س. نوسان در نوع ترجمه

برای ارائه یک ترجمه همگون و منسجم از یک متن، مترجم باید شیوه انتخابی خود در ترجمه را در سرتاسر متن اعمال کند، برای مثال، اگر مترجم بنا دارد که

ترجمه‌ای مفهومی و آزاد از یک متن ارائه دهد، وی باید این رویه را از ابتدا تا انتهای ترجمه دنبال کند. از این رو، ترکیب ترجمه آزاد و ترجمه وفادار به متن نمی‌تواند به خلق اثری هماهنگ و منسجم کمک نماید. با بررسی دو ترجمه آقایان فشارکی و محمودی، می‌توان به این نکته پی‌برد که مترجمان رویه واحدی را در ترجمه دنبال نکرده‌اند. هرچند آقای محمودی در بیشتر موارد ترجمه‌ای مفهومی و آقای فشارکی ترجمه‌ای وفادار به متن^{۷۴} ارائه داده، ولی در مواردی نیز نوسان در سبک ترجمه مشاهده می‌شود؛ به بیان دیگر، هر دو مترجم در مواردی، به ترجمه آزاد دست زده‌اند و در مواردی نیز در لاک ترجمه تحت‌اللفظی فرو رفته‌اند. به طور نمونه، آقای محمودی علی‌رغم رویه غالبش در ترجمه مفهومی عبارت‌ها، جمله زیر را به صورت تحت‌اللفظی ترجمه می‌کند:

One particular issue may be worth clarifying here, concerning the role of self-interest maximization in achieving results of the market mechanism.⁷⁴

ترجمه: موضوع خاصی که چه بسا ارزش آن را داشته باشد که در اینجا به ایضاح آن پردازیم، به نقش حداکثرسازی نفع فردی در دستیابی به نتایج سازوکار بازار مربوط است.^{۷۵}

در مقابل، آقای فشارکی که در بیشتر موارد سعی نموده تا ترجمه‌ای وفادار به متن ارائه دهد، در مواردی نیز به ترجمه آزاد و مفهومی پرداخته است. نمونه بارز این امر را می‌توان در ترجمه تعابیر ادبی انگلیسی واردشده در متن به معادل فارسی روان دانست. برای مثال، وی عبارت اصطلاحی «Fierce as ten furies» را، همان‌گونه که در بخش‌های بعد بدان اشاره می‌شود، به «غضبناک چون الهگان انتقام» معنا می‌کند، در حالی که آقای محمودی در ترجمه‌ای نامفهوم و تحت‌اللفظی آن را به، «خشن مانند ده بحران» ترجمه می‌کند.^{۷۶}

ش. عدم رعایت وحدت در ترجمه

بدون شک عدم رعایت وحدت در ترجمه می‌تواند موجب گسستگی در ترجمه و بالطبع ایجاد مشکل در فهم مقصود نویسنده گردد. این مشکل زمانی رخ می‌دهد که مترجم از واژگان متفاوتی در ترجمه یک کلمه و یا اصطلاح در متن اصلی استفاده نماید. چندگانگی در واژه‌گزینی می‌تواند موجب خطای خواننده در دنباله‌گیری مطالب در متن ترجمه‌ای گردد. این اشکال به طور خاص در ترجمه عناوین اصطلاحی وجود دارد. نمونه‌هایی از عدم رعایت وحدت در ترجمه را می‌توان در ترجمه‌های آقایان فشارکی و محمودی یافت. برای مثال، آقای محمودی در ترجمه واژه «Agency»، آن را یک جا به «عاملیت»^{۷۸} و در جای دیگر به «فاعلی»^{۷۹} معنا کرده است. عدم رعایت وحدت در ترجمه واژه مزبور می‌تواند موجب شود که خواننده نتواند به یکسان‌بودن دو معادل به کاررفته توسط مترجم پی‌برده و در فهم منظور اصلی نویسنده با مشکل مواجه شود.

خوشبختانه، آقای فشارکی در ترجمه خود، قاعده وحدت در ترجمه را رعایت کرده و واژه مزبور را به صورت یکسانی معادل‌گذاری کرده است؛ هرچند که وی با انتخاب معادلی نامناسب، ترجمه مبهمی از کلام نویسنده ارائه می‌دهد.^{۸۰} آقای فشارکی واژه مزبور را به معنای «کنش» می‌گیرد که کاملاً مغایر با مقصود نویسنده است. به نظر می‌رسد که معادل اول انتخاب‌شده توسط آقای محمودی، یعنی عاملیت، مناسب‌ترین برگردان فارسی واژه «Agency» باشد.

برای مثال دیگر، می‌توان به معادل‌گذاری ناهمگون عبارت «life expectancy» در ترجمه آقای فشارکی اشاره نمود. گرچه وی در بیشتر جاها واژه مزبور را به معنای «امید به زندگی» گرفته است و در مواردی نیز آن را به «طول عمر» ترجمه کرده است.^{۸۱} ترجمه آقای محمودی نیز از این مشکل خالی نیست. وی نیز گاه واژه مزبور را به «امید به زندگی» و گاه به «طول عمر» ترجمه کرده است.^{۸۲}

آقای محمودی همچنین در ترجمه فصل نهم کتاب، واژه «Fertility» را در مواردی به «زاد و ولد» و در موارد دیگر به «باروری» ترجمه کرده است. مشخص است که دو معادل انتخاب شده، لزوماً معنای واحدی را نمی‌رسانند. عنوان «باروری» بیشتر به «قابلیت تکثیر نسل»، و عنوان «زاد و ولد»، به طور عمده به «میزان تولید مثل» اشاره دارد. از این رو، انتخاب معادل‌های متفاوت می‌تواند موجب ایجاد اشکال در منتقل کردن مقصود نویسنده در خلال متن باشد.

شاید بتوان عنوان کرد که قاعده لزوم رعایت وحدت در ترجمه، تنها به ترجمه یک واژه در طول متن اختصاص ندارد. این قاعده می‌تواند در مواردی که نویسنده می‌خواهد با استفاده از چند واژه، مفهوم واحدی را منعکس کند، نیز صادق باشد. برای مثال، آقای فشارکی در صفحه ۲۲۶ کتاب خود، عنوان «*temptations of duress*»^۳ را به «وسوسه‌های ارباب» ترجمه می‌کند. در ادامه، وی واژه «Coercion» را به «اجبار» ترجمه می‌کند. گرچه نویسنده برای بیان منظور خود از دو واژه متفاوت استفاده کرده است، ولی به قرینه متن می‌توان فهمید که منظور او از این دو واژه یکسان است، چراکه نویسنده در متن مورد نظر به دنبال تحلیل روش‌های اجباری کنترل جمعیت است. از این رو، ترجمه یکسان این دو واژه می‌تواند موجب وحدت در ترجمه شده و به فهم بهتر منظور نویسنده کمک نماید. با توجه به سیر بحث، بهتر بود که مترجم از معادل اجبار در تمامی موارد استفاده می‌کرد؛ زیرا ارباب بار معنایی خاصی دارد که سازگاری چندانی با موضوع بحث نویسنده، یعنی کنترل جمعیت ندارد.

۲. اشتباه در واژه‌گزینی

یکی از مواردی که می‌تواند موجب نارسایی مفهومی در ترجمه شود، اشتباه در واژه‌گزینی و یا معادلیابی است. این نقیصه می‌تواند به دلیل انتخاب معادل

معنایی مغایر با مفهوم واژه مبدأ، ترجمه لغوی واژگان اصطلاحی و یا نادیده گرفتن بار فرهنگی واژه‌ها رخ دهد. نمونه‌هایی از مشکل واژه‌گزینی، در هریک از دو ترجمه آقایان فشارکی و محمودی به چشم می‌خورد.

الف. انتخاب معادل معنایی مغایر با مفهوم واژه مبدأ

منظور از انتخاب معادل معنایی مغایر با مفهوم واژه مبدأ آن است که مترجم، به اشتباه معادلی را در ترجمه یک واژه برگزیند که از نظر معنایی قرابتی با مفهوم واژه اصلی ندارد. به نمونه زیر در ترجمه آقای فشارکی توجه کنید:

What about the claim that human beings are uncompromisingly self-interested?⁸⁴

ترجمه: درباره این ادعا که آدمیان تمام و کمال خواهند، چه باید گفت؟^{۸۵}

همان‌گونه که مشاهده می‌شود، آقای فشارکی واژه «self-interested» در متن اصلی را به تمام و کمال خواهی ترجمه کرده است. اندک دقتی در مفهوم واژه مزبور، این نکته را مشخص می‌کند که «self-interest» مفهومی کاملاً متفاوت از کمال خواهی داشته و به معنای خودخواهی می‌باشد. خوشبختانه آقای محمودی به درستی این واژه را معادل‌گذاری کرده و همان‌گونه که در ترجمه ایشان در ادامه می‌آید، آن را به «خودخواهانه» ترجمه کرده‌اند: «در مورد این ادعا که انسان به طور اجتناب‌ناپذیری خودخواه است، چه می‌توان گفت؟»^{۸۶}

برای مثال دیگر می‌توان به ترجمه نامناسب آقای فشارکی از عبارت «Interest Groups»^{۸۷} اشاره کرد. ایشان واژه مزبور را به «گروه‌های انحصارطلب» معنا کرده‌اند، که معادل چندان مناسبی نیست.^{۸۸} در مقابل، آقای محمودی به شکل مناسب‌تری، این واژه را به «گروه‌های سودجو» معنا کرده است.^{۸۹} همچنین آقای فشارکی عبارت «in»^{۹۰} «modern Malthus scholarship» را به اشتباه به «مالتوس شناسی جدید» ترجمه می‌کند.^{۹۱} مشخص است که در این عبارت

«scholarship» به معنای «مالتوس شناسی» نیست. در مقایسه آقای محمودی در ترجمه‌ای مناسب‌تر، عبارت مزبور را این‌گونه ترجمه می‌کند: «در مکتب مالتوسی معاصر،...»^{۹۲} همچنین آقای فشارکی واژه «Informational bases» را به «پایگاه‌های اطلاع‌رسانی» ترجمه کرده‌اند که ترجمه چندان مناسبی نیست.^{۹۴} بهتر بود این واژه آنچنان که آقای محمودی معادل‌گذاری کرده‌اند، به «پایه‌های اطلاعاتی» و یا به «مبنای اطلاعاتی» ترجمه گردد.^{۹۵}

البته در مواردی هم، آقای فشارکی در معادل‌گذاری بهتر از آقای محمودی عمل کرده است. برای مثال، آقای محمودی واژه «Industrialists»^{۹۶} را به معنای «سرمایه داران»^{۹۷} گرفته است. با اندک توجهی به ریشه لغت مزبور می‌توان فهمید که معادل درست این واژه، همان‌گونه که در ترجمه آقای فشارکی نیز منعکس شده است، به معنای صنعتگران است.^{۹۸}

ب. عدم توجه به معنای اصطلاحی واژگان

عدم آشنایی کامل آقایان محمودی و فشارکی با مباحث تخصصی رشته اقتصاد و بخصوص مباحث بین رشته‌ای میان اقتصاد و سایر علوم اجتماعی، موجب شده که آنان در موارد بسیاری معادل‌های نامناسبی برای واژگان اصطلاحی برگزینند. برای مثال، به ترجمه جمله زیر توسط آقایان فشارکی و محمودی توجه کنید:
The third component is “sum-ranking”, which requires that the utilities of different people be simply summed together to get their aggregate merit...^{۹۹}

ترجمه: سومین مؤلفه فایده‌گرایی رتبه‌بندی کلی است؛ بدان معنا که با جمع ساده فایده‌های افراد مختلف مزیت جمعی آنها را به دست آوریم.^{۱۰۰}
ترجمه: سومین مؤلفه مجموع رتبه‌بندی است؛ این مؤلفه می‌گوید که برای دستیابی به شایستگی کلی افراد باید مطلوبیت افراد گوناگون را جمع زد.^{۱۰۱}

به نظر می‌رسد که ناآشنایی آقای فشارکی با مباحث اقتصادی پیرامون استخراج منحنی بی‌تفاوتی افراد، موجب شده که وی در ترجمه متن بالا کلمه «utility» را به معنای «فایده» و مشتقات آن همچون «Utilitarianism» و «aggregate utility» را به ترتیب به جای «مطلوبیت‌گرایی» و «مطلوبیت کل» به اشتباه به «فایده‌گرایی» و «فایده جمعی» ترجمه کند.^{۱۰۲} این در حالی است که واژه مزبور در اصطلاح اقتصادی به معنای «مطلوبیت» است که بیانگر سطح رضایت‌مندی درونی مصرف‌کنندگان از مصرف کالاها و خدمات می‌باشد. با توجه به آشنایی اقتصاددانان با بحث مطلوبیت و مطلوبیت‌گرایی، استفاده از واژه فایده تنها موجب درک ناردست آنان از منظور نویسنده می‌شود. خوشبختانه آقای محمودی به این نکته واقف بوده و از واژه «مطلوبیت» در ترجمه خود استفاده نموده است، ولی ایشان نیز به اشتباه به جای «مطلوبیت کل افراد» از واژه غریب «شایستگی کلی افراد» استفاده می‌کند. گرچه نویسنده از عنوان «aggregate merit» استفاده کرده است، ولی منظور او چیزی جز مطلوبیت کل افراد که از جمع‌زدن سطح مطلوبیت تک تک افراد به دست می‌آید، نمی‌باشد.

نکته حائز اهمیت آنکه نویسنده خود در بخشی از متن، منظور از اصطلاح «Utilitarianism» را به صراحت بیان می‌کند و عنوان می‌دارد که مطلوبیت، در معنای سنتی آن، عبارت از رضایت‌مندی بوده و پدیده‌ای ذهنی می‌باشد. مشخص است که معادل انتخابی آقای فشارکی، یعنی فایده، نمی‌تواند این معنا را برساند. عبارت نویسنده در تبیین مفهوم «مطلوبیت‌گرایی» را ببینید:

In utilitarianism's classical form, as developed particularly by Jeremy Bentham utility is defined as pleasure happiness or satisfaction and everything thus on these mental achievements.¹⁰³

ترجمه: فایده در شکل کلاسیک فایده‌گرایانه - چنان که به روش بنتهام بسط داده است - به عنوان لذت یا خوشنودی یا ارضا تعریف شده است و به ترتیب همه

چیز حول محور دستاوردهای ذهنی می‌چرخد.^{۱۰۴}

ترجمه: در شکل مطلوبیت‌گرایی کلاسیک که به طور خاص جرمی بت‌هام آن را بسط داده است، مطلوبیت عبارت است از لذت و شادی یا رضایت خاطر و با هر آنچه به دست‌آوردهای ذهنی از این نوع باز می‌گردد.^{۱۰۵}

ناآشنایی آقای فشارکی با اصطلاح‌های اقتصادی، در ترجمه جمله زیر نیز نمایان است:

People do, of course, value—and have reason to value—other things as well, including well-being and security, but that does not make them indifferent to their political, civil or reproductive rights¹⁰⁶

ترجمه: البته شکی نیست که آدمیان چیزهای دیگر را نیز، نظیر خوش‌زیستی و امنیت ارزشمند می‌شمارند و برای آن دلایلی هم دارند.^{۱۰۷}

شاید نیاز به توضیح نباشد که واژه «well-being»^{۱۰۸} در مباحث اقتصادی به «رفاه» ترجمه می‌شود. از این‌رو، استفاده از معادل نامأنوس «خوش‌زیستی» توسط مترجم، موجب سردرگمی خواننده و عدم درک منظور نویسنده می‌گردد. خوشبختانه در این مورد نیز آقای محمودی با معادل‌گزینی مناسب، ترجمه‌ای گویا از جمله نویسنده ارائه می‌دهد: «البته مردم چیزهای دیگر مانند رفاه و امنیت را ارج می‌نهند».^{۱۰۹}

همچنین آقای فشارکی در ترجمه‌ای نامناسب، کلمه «ill-being» را نیز به معادل غریبی همچون «بد‌زیستی» ترجمه می‌کند.^{۱۱۰} از این‌رو، وی عنوان «well-being»^{۱۱۱} را به «خوش‌زیستی و بد‌زیستی» ترجمه می‌کند. متأسفانه آقای محمودی نیز در برگردان این عبارت، ضمن عدم رعایت وحدت در ترجمه و عدول از معادلی که پیش‌تر برای کلمه «well-being» به کار برده بودند، آن را به «تندرستی و عدم تندرستی» ترجمه کرده‌اند. شاید بتوان عنوان «عدم رفاه» را به عنوان معادلی مناسب‌تر برای کلمه «ill-being» در نظر گرفت. لازم به ذکر است

که آقای محمودی در همان صفحه دوباره در دام مشکل عدم رعایت وحدت گرفتار آمده و این بار کلمه «well-being» را به «بهروزی» ترجمه کرده‌اند که مغایر با معادل‌های قبلی ایشان رفاه و تندرستی - است.^{۱۱۲}

برای مثال دیگر، آقای فشارکی اصطلاح «Human Agency»^{۱۱۳} را به «کنش انسانی» ترجمه کرده است.^{۱۱۴} واژه «کنش» مفهومی جامعه‌شناختی است و نمی‌تواند منظور اقتصاددانان از «Agency» را منعکس نماید. این اصطلاح در اقتصاد به جنبه فاعلیت و یا عاملیت انسان اشاره دارد. از این‌رو، در اقتصاد واژه «Agent» به معنای «عامل» اقتصادی ترجمه می‌گردد. آقای محمودی در ترجمه‌ای مناسب‌تر، اصطلاح مزبور را به «فاعلیت انسان» ترجمه کرده است.^{۱۱۵} با توجه به مباحث اقتصادی، به نظر می‌رسد که برگردان این واژه به «عاملیت انسان» گویاتر باشد.

ج. نادیده‌گرفتن بار فرهنگی کلمات

ممکن است یک واژه در یک زبان دارای بار فرهنگی باشد که ترجمه تحت‌اللفظی آن نتواند آن مضمون را در فرهنگ دیگر برساند. به نمونه زیر دقت کنید:

But is income the rightto live to a "mature age"....

در ترجمه جمله مزبور، آقای فشارکی عبارت «mature age»^{۱۱۶} را به «سن بلوغ» ترجمه کرده است. در فرهنگ اسلامی - ایرانی، سن بلوغ، سن جوانی و یا سن به تکلیف‌رسیدن است. این در حالی است که عنوان «mature age» در فرهنگ غربی به دوران پختگی و میانسالی اشاره دارد.^{۱۱۷}

شاید بتوان ترجمه آقای محمودی از عبارت «Prodigals and projectors» به «ولنگاران مالی و پروژه‌داران» را نیز از مواردی که در آن بار معنایی کلمات مورد توجه قرار نگرفته، قلمداد نمود.^{۱۱۸} به نظر می‌رسد که واژه «ولنگار» دارای باری

فرهنگی است و نمی‌تواند بیانگر مفهوم مورد نظر در حوزه اقتصاد باشد. شاید بهتر بود که ایشان نیز همانند آقای فشارکی از عنوان «ولخرجان» به جای «ولنگاران» به عنوان معادل کلمه «Prodigals» استفاده می‌کرد. آقای فشارکی عبارت مزبور را به «ولخرجان و تجمل طلبان» ترجمه می‌نماید.^{۱۱۹} نکته حائز اهمیت آنکه هر دو مترجم، در معادل‌یابی کلمه دوم، یعنی «projectors» دچار خطای فاحش شده‌اند؛ زیرا در اصطلاح اقتصادی، این واژه نه به معنای «پروژه داران»، آن‌گونه که آقای محمودی ترجمه کرده و نه به معنای ولخرجان، آنچنان که آقای فشارکی معادل‌گذاری نموده، می‌باشد، بلکه این واژه در بیان اقتصادی به معنای «دلالتان» و «واسطه‌ها» می‌باشد.

ترجمه تحت‌اللفظی

ترجمه تحت‌اللفظی را می‌توان یکی از مشکلات رایج در ترجمه متون دانست. ترجمه تحت‌اللفظی غالباً موجب پیچیدگی ترجمه و نامفهوم‌بودن آن برای خوانندگان می‌شود. مترجمان گاه به دلیل وفاداری بیش از حد به متن مورد ترجمه، عبارات را کلمه به کلمه ترجمه می‌کنند، بدون آنکه به نامفهوم‌بودن ترجمه صورت گرفته در زبان مقصد واقف باشند. ترجمه تحت‌اللفظی مقابل ترجمه غیروفادار به متن قرار می‌گیرد که در آن مترجم بدون در نظر گرفتن متن اصلی، ترجمه‌ای متفاوت از آنچه نویسنده در نظر داشته را ارائه می‌دهد. آنچه مترجم خوب را از مترجم بد جدا می‌کند، توانایی وی در حفظ اعتدال میان ترجمه تحت‌اللفظی و ترجمه آزاد است. ترجمه نباید آنقدر تحت‌اللفظی باشد که نتواند مقصود نویسنده را در زبان مقصد بیان کند و نه آنقدر آزاد باشد که به کلی از متن اصلی منحرف گردد. پژوهشگاه علوم انسانی و مطالعات فرهنگی در هریک از دو ترجمه صورت گرفته از کتاب آمارتیا سن می‌توان نمونه‌هایی از ترجمه تحت‌اللفظی را پیدا نمود. مشکل ترجمه تحت‌اللفظی گاه به دلیل

ترجمه تحت‌اللفظی (کلمه به کلمه) جمله‌ها و گاه به دلیل ترجمه تحت‌اللفظی یک کلمه در جمله رخ می‌دهد.

الف. ترجمه لغوی کلمه‌ها

این مشکل شبیه به مشکل اشتباه در واژه‌گزینی است، با این تفاوت که در اینجا تأکید بر اشتباه مترجم در ترجمه واژه، بر اساس معنای لغوی آن است. در واقع، مترجم یک کلمه را عیناً به همان معنای لغوی نزدیک آن، که سازگار با مقصود نویسنده نیست، ترجمه می‌کند. برای مثال آقای فشارکی در صفحه ۳۸ کتاب خود عبارت «Constitutive and instrumental roles of freedom»^{۱۲۰} را به «نقش تشکیل دهنده‌گی و ابزاری آزادی» ترجمه می‌کند. ترجمه کلمه «Constitutive» به «تشکیل دهنده‌گی» ترجمه‌ای کاملاً لغوی است، در حالی که منظور نویسنده از آن، همان‌گونه که آقای محمودی نیز ترجمه کرده است، «آزادی‌های اساسی» و نه «آزادی‌های تشکیل دهنده» است.^{۱۲۱}

در ترجمه جمله زیر نیز معادلی کاملاً لغوی برای کلمه «outcome» انتخاب شده است:

Market outcome will be "Pareto optimal"^{۱۲۲}

ترجمه: برون داد بازار (...) بهینه پرتو باشد.^{۱۲۳}

گذشته از آنکه برون داد ترجمه‌ای تحت‌اللفظی از کلمه است، بسیار ثقیل و غیرشویا می‌باشد. به نظر می‌رسد که می‌توان کلمه مزبور را به معنای «نتیجه» و یا «حاصل» گرفت. در ترجمه جمله مزبور، به طور خاص می‌توان کلمه «outcome» را به صورت غیرمستقیم معنا کرده و ترجمه زیر را ارائه نمود: «سازوکار بازار منجر به بهینه پرتو خواهد گردید.»

ب. ترجمه کلمه به کلمه عبارت‌ها

ترجمه تحت‌اللفظی (کلمه به کلمه) جمله‌ها هنگامی رخ می‌دهد که مترجم بدون در نظر گرفتن تفاوت‌های ساختاری زبان مبدأ و مقصد، متن را کلمه به کلمه

ترجمه می‌کند و ساختار زمانی جمله در زمان مبدأ را حفظ می‌کند. به نمونه زیر در ترجمه آقای فشارکی توجه کنید:

It is important to emphasize that this result... would not show that life expectancy is not enhanced by the growth of GNP per head.¹²⁴

ترجمه: امید به زندگی را رشد سرانه‌ای «GNP» افزون نمی‌کند.^{۱۲۵}

مشخص است که ترجمه بالا، ترجمه‌ای تحت‌اللفظی و نامفهوم است. بهتر بود مترجم جمله مزبور را به صورت آزادتر و با توجه به مقتضیات زبان فارسی چنین ترجمه می‌کرد: «نتایج تحقیقات مزبور نمی‌تواند رابطه میان افزایش امید به زندگی و رشد سرانه تولید ناخالص را نفی کند».

آقای فشارکی عبارت «the average number of children born per woman»^{۱۲۶} را نیز به صورتی کاملاً تحت‌اللفظی به «میانگین کودکانی که هر زن می‌زاید» ترجمه کرده است.^{۱۲۷} به نظر می‌رسد می‌توان عبارت مزبور را به شکلی مناسب‌تر و حتی مؤدبانه‌تر به «میانگین تعداد کودکان متولد شده از هر مادر» ترجمه نمود.

ترجمه آقای فشارکی از جمله زیر را نیز می‌توان از مصادیق بارز ترجمه تحت‌اللفظی و یا ترجمه کلمه به کلمه متن نویسنده قلمداد کرد:

While the merits of the utilitarian approach can be subjected to some debate it does make insightful points¹²⁸

ترجمه: با اینکه می‌توان در مورد رویکرد فایده‌گرایی کمی تردید داشت، منکر نمی‌توان شد که این رویکرد نکات خردمندانه‌ای مطرح می‌کند.^{۱۲۹}

در مقایسه با آقای فشارکی، آقای محمودی ضمن احتراز از ترجمه تحت‌اللفظی، جمله مزبور را چنین ترجمه کرده است: «باوجودی که مزایای رویکرد مطلوبیت‌گرایی جای بحث دارد، حاوی نکات سودمندی است».^{۱۳۰}

گرچه ترجمه آقای محمودی، به نحو بهتری انجام گرفته، ولی می توان جمله مزبور را به صورتی رساتر چنین ترجمه کرد: «گرچه رویکرد مطلوبیت گرایانه دارای اشکال‌های متعددی می باشد، نباید از نقاط قوت آن چشم پوشید.»

برای مثال دیگری از ترجمه تحت‌اللفظی، به ترجمه جمله زیر توجه کنید:

The requirements of utilitarian evaluation can be split in to three distinct components¹³¹

ترجمه: الزامات سنجش فایده‌گرایانه را می توان به سه مؤلفه تقسیم کرد.^{۱۳۲}

ترجمه: ضرورت‌های ارزیابی مطلوبیت‌گرایانه را می توان به سه مؤلفه مجزا تقسیم کرد.^{۱۳۳}

همان‌گونه که مشاهده می شود هر دو مترجم، ترجمه‌ای تحت‌اللفظی از متن مزبور ارائه داده‌اند. با اندک تأملی می توان دریافت که نویسنده به دنبال بیان لوازم دیدگاه مطلوبیت‌گرایانه است. از این رو، می توان جمله مزبور را به بیانی روان‌تر، چنین ترجمه نمود: «ارزشیابی بر اساس دیدگاه مطلوبیت‌گرایانه، دارای سه لازمه متفاوت است.»

در ترجمه جمله زیر نیز وجود مشکل ترجمه تحت‌اللفظی مشهود است:

Indeed, there is a strongly declining long-term trend, and there is nothing yet to indicate that the long-run downward trend of the relative price of food has been reversed¹³⁴

ترجمه: و راست آنکه در بلند مدت روندی کاملاً رو به کاهش وجود داشته است و هنوز هم چیزی که نشان از وارون شدن روند طولانی رو به کاهش بهای نسبی مواد غذایی داشته باشد، به چشم نمی آید.^{۱۳۵}

در ترجمه مزبور، مترجم علاوه بر استفاده از معادل‌های نامناسب، به ترجمه‌ای کلمه به کلمه دست زده است. وی در ترجمه کلمه «Indeed» از معادل نامتعارف «راست آنکه»، به جای معادل مرسوم آن، یعنی کلمه «در واقع» استفاده کرده است.

همچنین مترجم می‌توانست به جای واژه نامأنوس «وارونه» از واژه «برعکس» استفاده می‌کرد. شاید بتوان با مقایسه ترجمه آقای فشارکی با ترجمه آقای محمودی که در ادامه می‌آید، تفاوت میان ترجمه تحت‌اللفظی و ترجمه روان را دریافت:

ترجمه: به هر حال، سقوط شدید قیمت‌ها روند بلندمدتی داشته است و شواهدی دال بر تغییر جهت روند کاهنده قیمت‌های نسبی مواد غذایی در بلند - مدت در دست نیست.^{۱۳۶}

ذکر این نکته خالی از لطف نیست که آقای محمودی برای روشن‌تر شدن ترجمه، با افزودن کلمه قیمت‌ها به عبارت «declining long-term trend» در متن نویسنده موجب روان‌تر شدن ترجمه شده است و این نکته ظریفی است که در ترجمه آقای فشارکی رعایت نشده است. به طور کلی مترجمان زبردست سعی می‌کنند برای حفظ انسجام در متن ترجمه‌ای، در موارد لزوم کلمه یا کلماتی را که از جمله‌های پیشین فهمیده می‌شود را به متن اصلی بیفزایند. این امر موجب می‌شود تا ارتباط منطقی میان پاراگراف‌ها حفظ شده و خوانندگان به شکل بهتری منظور نویسنده را درک کنند. برای حفظ امانت در ترجمه، برخی از مترجمان، کلمه اضافه شده را داخل پرانتز و یا آکلاد می‌گذارند.

به عنوان نمونه‌ای دیگر از ترجمه کلمه به کلمه عبارت‌ها، آقای محمودی، ترجمه‌ای بسیار تحت‌اللفظی از ابتدای جمله زیر ارائه می‌دهد:

A misconceived theory can kill, and the Malthusian perspective of food-to-population ratio has much blood on its hands.

ترجمه: هر نظریه‌ای بد فهمیده شده، به طور مثال نظریه نسبت غذا به جمعیت مالتوس، می‌تواند منجر به مرگ میلیون‌ها نفر شود.^{۱۳۷}

در مقایسه، آقای فشارکی در ترجمه‌ای که در ادامه می‌آید، به شکل روان‌تری مقصود نویسنده را منتقل می‌نماید:

یک نظریه نادرست می‌تواند قربانیان بسیاری به جا نهد؛ به همین ترتیب خونهای بسیاری به گردن چشم انداز مالتوسی است که مبنایش نسبت غذا به جمعیت می‌باشد.^{۱۳۸}

البته ترجمه مزبور نیز خالی از اشکال نیست؛ زیرا نویسنده در صدد بیان مضرات یک نظریه نادرست، آنچنان که آقای فشارکی ترجمه کرده‌اند، نیست، بلکه کلام وی ناظر به برداشت اشتباه از نظریه‌ها می‌باشد. برای ترجمه‌ای روان از جمله مزبور، عبارت زیر پیشنهاد می‌گردد:

برداشت نادرست از یک نظریه می‌تواند فاجعه‌آمیز باشد؛ همان‌گونه که دیدگاه مالتوسی در مورد نسبت غذا و جمعیت، موجب مرگ انسان‌های بسیاری شده است.

ج. ترجمه تحت‌اللفظی ضرب‌المثل‌ها و عبارتهای اصطلاحی

یکی از ظرایف ترجمه، توجه به ضرب‌المثل‌ها، کنایه‌ها و تعابیر ادبی و عبارتهای اصطلاحی به کار رفته در متون مورد ترجمه است. بدون شک، ترجمه تحت‌اللفظی این عبارات نمی‌تواند به خوبی منظور نویسنده را منتقل نماید. در این موارد، بهترین گزینه یافتن ضرب‌المثل، کنایه و یا جمله ادبی در زبان مقصد است که بتواند به خوبی مفهوم اصطلاح به کار رفته در زبان مبدأ را منعکس کند. در این موارد، ترجمه تحت‌اللفظی چنین عبارتهایی بدترین گزینه است. نمونه‌ای از ترجمه تحت‌اللفظی عبارات ادبی را می‌توان در ترجمه آقای محمودی دید. وی ضرب‌المثل زیر را چنین ترجمه می‌کند:

Fierce as ten furies, terrible as hell¹³⁹

ترجمه: قحطی شدید - «خشن مانند ده بحران، هولناک مانند جهنم» - دامن بسیاری از کشورها را فراگرفته است.^{۱۴۰}

در ترجمه بالا، آقای محمودی بخش اول جمله ادبی به کاررفته در متن نویسنده را به صورتی تحت‌اللفظی و نامفهوم ترجمه می‌کند. در مقابل، آقای فشارکی، با

توجه به این نکته که در در اساطیر یونان و روم عنوان «*furies*» به معنای «الهگان انتقام» می‌باشد، عبارت مزبور را به شکلی مناسب‌تر چنین ترجمه می‌کند: «قحطی‌ها با شدت شگفت‌انگیزی در بسیاری از کشورها ظاهر می‌شوند - غضبناک چون الهگان انتقام، دهشتناک چون دوزخ».^{۱۴۱}

ترجمه آقای فشارکی نیز از این خطا مصون نبوده است. برای مثال، به ترجمه جمله زیر توسط آقایان فشارکی و محمودی توجه کنید:

There is, in fact, another feature of people's reaction to coercion- that of voting with their feet¹⁴²

ترجمه: شکل دیگر واکنش مردم به روش اعمال زور، رأی دادن با پاهاست.^{۱۴۳}

ترجمه: در واقع، شکل دیگر از واکنش مردم به فشار و زور مخالفت علنی است.^{۱۴۴}

در ترجمه‌های بالا، هر دو مترجم به دلیل عدم توجه به معنای اصطلاحی عبارت «*voting with their feet*» ترجمه‌ای نادرست از کلام نویسنده ارائه داده‌اند. در این میان آقای فشارکی اصطلاح مزبور را به صورت کاملاً تحت‌اللفظی ترجمه کرده است. در مقابل، گرچه آقای محمودی از ترجمه تحت‌اللفظی احتراز کرده است، ولی وی به اشتباه آن را به «مخالفت علنی» ترجمه کرده است؛ در حالی که عبارت «*Vote with foot*» در اصطلاح به معنای «مخالفت عملی» و نه «مخالفت علنی» با یک تصمیم و یا سیاست است. تعریف و مثالی که در فرهنگ آکسفورد برای تبیین این اصطلاح آورده شده، کاملاً گویای این مضمون است:

Vote with your foot: to show what you think about sth by going or not going somewhere: Shoppers voted with their feet and avoided the store.¹⁴⁵

۴. نارسایی‌های شکلی

نارسایی‌های شکلی در ترجمه، که می‌توان از آن به عنوان «عدم شیوایی» نیز یاد کرد، به مواردی اشاره دارد که در آن مترجم، نتوانسته به شکلی شیوا و روان

منظور نویسنده را به زبان مقصد برگرداند. این مشکل حتی می‌تواند موجب نارسایی مفهومی که پیش‌تر به آن اشاره شد، گردد. نارسایی شکلی ممکن است به دلایل گوناگونی، از جمله عبارت‌پردازی نامناسب، استفاده از واژگان ثقیل، به کارگیری جمله‌های طولانی و یا عدم رعایت قواعد نگارش زبان فارسی رخ دهد. در ترجمه آقایان فشارکی و محمودی موارد متعددی از اشکال گوناگون نارسایی شکلی مشاهده می‌شود.

الف. عبارت‌پردازی نامناسب

بدون شک، عبارت‌پردازی نامناسب در برگردان متن از یک زبان به زبان دیگر می‌تواند موجب خلل در شیوایی ترجمه گردد و خوانندگان را در فهم مقصود نویسنده با مشکل مواجه نماید. کمترین مشکل عبارت‌پردازی نامناسب، کاستن از انگیزه خواننده برای مطالعه اثر مزبور است. مشکلاتی از جمله تتابع اضافات، عدم رعایت ساختار جمله‌ها در زبان فارسی و همچنین ترکیب نامفهوم و غیرشیوای کلمه‌ها می‌تواند موجب این نقیصه شود. نمونه‌ای از عبارت‌پردازی نامناسب را می‌توان در ترجمه آقایان فشارکی و محمودی از جمله زیر مشاهده کرد:

...the particular issues of the adequacy of the respective informational bases of some standard theories of social ethics and justice in particular utilitarianism libertarianism and Rawlsian theory of justice¹⁴⁶

ترجمه: درباره مسائل خاص بسندگی پایگاه‌های اطلاع‌رسانی مربوط در برخی نظریه‌های رایج در زمینه عدالت و علم اخلاق اجتماعی، به ویژه فایده‌گرایی، آزادگرایی و نظریه عدالت رالزی.^{۱۴۷}

ترجمه: موضوعات خاص مرتبط با کفایت «پایه‌های اطلاعاتی» برخی نظریه‌های استاندارد عدالت و اخلاق اجتماعی، بخصوص مطلوبیت‌گرایی، آزادی‌گرایی و نظریه عدالت راولزی.^{۱۴۸}

مشخص است که ترجمه‌های مزبور نمی‌توانند به خوبی منظور نویسنده را به خوانندگان فارسی‌زبان اثر ترجمه‌ای منتقل کنند. این مشکل تا حدودی ناشی از تتابع اضافات، واژه‌گزینی نامناسب و ترکیب نامفهوم و غیر شیوای کلمات می‌باشد. شاید بتوان جمله مزبور را به صورتی تیتروار در متن اصلی آورده و به شکل شیواتری ترجمه کرد:

موضوع‌های خاصی چون کافی‌بودن پایه‌های اطلاعاتی نظریه‌های اخلاق اجتماعی، به ویژه مکاتب مطلوبیت‌گرایی، مکتب آزادی اراده و نظریه عدالت روالزی.

نمونه‌ای دیگر از عبارت‌پردازی نامناسب را نیز می‌توان در ترجمه آقای فشارکی یافت:

The labor market can be a liberator in many different contexts, and the basic freedom of transaction can be of central importance, quite aside from whatever the market mechanism may or may not achieve in terms of incomes or utilities or other results.¹⁴⁹

ترجمه: بازار کار می‌تواند در شرایط بسیار متفاوتی آزادی‌بخش باشد و آزادی پایه‌ای داد و ستد، به کلی صرف نظر از آنچه سازوکار بازار می‌تواند برحسب درآمد، فایده یا نتایج دیگر به دست آورد یا آنچه نمی‌تواند، اهمیت محوری دارد.^{۱۵۰}

عبارت‌پردازی نامناسب در ترجمه مزبور موجب ایجاد اشکال در فهم ترجمه آقای فشارکی می‌شود. در این مورد، آقای محمودی در ترجمه‌ای که در ادامه می‌آید، علی‌رغم وجود برخی اشکال‌های مفهومی، به شکل شیواتری منظور نویسنده را منعکس می‌نماید:

ترجمه: بازار کار می‌تواند در زمینه‌های متعدد، نقش تعیین‌کننده‌ای داشته باشد و جدا از اینکه سازوکار بازار چه نتایجی در زمینه درآمد و مطلوبیت‌ها به دست می‌دهد، آزادی اولیه در معامله نیز از اهمیت ویژه‌ای برخوردار است.^{۱۵۱}

به نظر می‌رسد که آقای محمودی می‌توانست با تبدیل جمله مزبور به حداقل دو جمله، عبارت‌پردازی مناسب‌تری نموده و به شیوایی ترجمه خود بیفزاید. این نکته به طور خاص در ترجمه پیشنهادی زیر مورد نظر قرار گرفته است:

بازار کار می‌تواند به شکل‌های گوناگونی به بهبود آزادی کمک نماید. صرف نظر از اینکه سازوکار بازار چه تأثیری بر سطح درآمدها و مطلوبیت‌ها می‌گذارد، آزادی‌محوری افراد در مبادله از اهمیت ویژه‌ای برخوردار است.

مقایسه دو ترجمه صورت گرفته از عبارت زیر نیز می‌تواند به خوبی تفاوت دو گونه عبارت‌پردازی مناسب و نامناسب را نمایان سازد:

Despite their very low levels of income, the people of Kerala, China, or Sir Lanka enjoy enormously higher levels of life expectancy than do much richer populations of Brazil, South Africa and Namibia, not to mention Gabon.¹⁵²

ترجمه: هنگامی که از یک طرف کرالا، چین و سریلانکا را با برزیل، آفریقای جنوبی، نامیبیا و گابن، در طرف دیگر، مقایسه می‌کنیم، حتی جهت نابرابری کشورهای ثروتمندتر را نشان می‌دهد.^{۱۵۳}

ترجمه: وقتی که کرالا و چین و سریلانکا را از یک سو با برزیل و آفریقای جنوبی و نامیبیا و گابن از سوی دیگر مقایسه می‌کنیم...^{۱۵۴}

همان گونه که مشاهده می‌شود، ترجمه آقای فشارکی دارای مشکل عبارت‌پردازی است. وی جمله را با «هنگامیکه» شروع نموده است و به دنبال آن بلافاصله عبارت «از یک طرف» را آورده است که موجب پیچیدگی جمله شده است. در مقابل، آقای محمودی با جایگذاری مناسب‌تر عبارت‌های «از یک سو» و «از سوی دیگر» در ترجمه خود، به شیوایی آن کمک کرده است.

ب. استفاده از واژگان ثقیل و غیرمأنوس
در مواردی، شیوایی بودن ترجمه به دلیل استفاده از واژگان ثقیل و نامأنوس در ترجمه رخ می‌دهد. برای مثال، آقای فشارکی در ترجمه

عبارت «substantive freedoms»^{۱۵۵} واژه نامأنوس خودبنياد را به کار برده و آن را به «آزادی‌های خودبنياد» ترجمه می‌کند.^{۱۵۶} معادل مزبور در جاهای دیگر برای مثال در صفحه‌های ۱۳۸ و ۱۳۹ نیز به کار رفته است. در مقابل، آقای محمودی با معادل‌گزینی مناسب‌تر، آن را به «آزادی‌های اساسی» ترجمه کرده است.

درجایی دیگر، آقای فشارکی عبارت «who is prevented from speaking freely» را به «نگذارند آزادانه سخن گوید» ترجمه کرده‌اند که در مقایسه با ترجمه آقای محمودی (منع از آزادی بیان) نامأنوس و ثقیل می‌باشد. همچنین، معادل‌گذاری کلمه «individuals» به آدمیان، در ترجمه آقای فشارکی را نیز می‌توان از مصادیق استفاده از واژگان نامأنوس قلمداد کرد. بهتر است این کلمه به معنای مرسوم آن، یعنی «افراد» و یا «اشخاص» گرفته شود. همچنین آقای فشارکی در سراسر ترجمه خود، عبارت «in fact» را با استفاده از معادل نامأنوس «راست آنکه» ترجمه کرده است. برای مثال، وی عبارت «There is, in fact, no significant»^{۱۵۷} را این چنین ترجمه می‌کند: «راست اینست که...»^{۱۵۸}. این در حالی است که می‌توان با برگزیدن معادل‌های مأنوسی همچون «در واقع» و یا «در حقیقت»، ترجمه روان‌تری از منظور نویسنده ارائه داد.

ج. استفاده از جملات طولانی، نامفهوم و ثقیل

به کارگیری جمله‌های طولانی می‌تواند از شیوایی یک اثر ترجمه‌ای کاسته و فهم جملات را برای خوانندگان آن با مشکل مواجه کند. از این رو، یکی از توصیه‌های نگارشی در بیشتر زبان‌ها آن است که نویسندگان تا حد امکان جملات را به کوتاه‌ترین شکل ممکن به رشته تحریر درآورند. برای مثال، به ترجمه آقای فشارکی از جمله طولانی زیر توجه کنید:

Even though Malthus is typically credited with having provided the pioneering analysis of the possibility that population may tend to

grow too much, the possibility that continued increase in population might conceivably lead to “a continual diminution of happiness in fact aired, before Malthus, by Condorcet, the French mathematician and great Enlightenment thinker, who first presented the core of the scenario that underlies the “Malthusian” analysis of the population problem, with “the increase in the number of men ... good and evil.”¹⁵⁹

ترجمه: گو اینکه معمولاً ابتکار طرح این تحلیل را که امکان رشد بیش از حد جمعیت وجود دارد به مالتوس نسبت می‌دهند. در واقع این امکان را که افزایش بی‌وقفه جمعیت می‌تواند به کاهش پیوسته خوشبختی بینجامد، پیش از او کندرشه، ریاضیدان فرانسوی و اندیشمند بزرگ عصر روشنگری بیان کرده بود. او نخستین طراح هسته سناریویی است که شالوده تحلیل «مالتوسی» را از مشکل جمعیت تشکیل می‌دهد؛ با طرح این مطلب که «افزایش شمار آدمیان چندان که از وسایب ایشان برای گذران زندگی درگذرد» به «کاهش پیوسته خوشبختی و جمعیت» — سیری واقعاً قهقرایی — و یا دست کم به نوعی نوسان میان خیر و شر می‌انجامد.^{۱۶۰}

مشخص است که مترجم به تبع نویسنده با استفاده از جملات طولانی، موجب کاستن از شیوایی ترجمه خود شده است. گرچه نویسنده با آوردن جمله‌ای بسیار طولانی خود، اصل نگارش با جملات کوتاه را نقض کرده، ولی مترجم خوب می‌تواند این نقیصه را با تبدیل جملات نویسنده به چند جمله، ترجمه روان‌تری از آن ارائه دهد. برای مثال، برای شیواتر شدن ترجمه بالا می‌توان آن را در سه جمله مجزا، اما به هم پیوسته ترجمه کرد. آقای محمودی با رعایت این نکته، جمله طولانی نویسنده را به سه بخش تقسیم کرده است. این ابتکار موجب شیوا تر شدن ترجمه ایشان شده است. ترجمه ایشان را ببینید:

مالتوس نوعاً در ارائه این تحلیل که افزایش بیش از حد جمعیت، در نهایت موجب کاهش مداوم رفاه می‌گردد، پیشگام محسوب می‌شود. با این حال پیش از او کندرشه، ریاضی‌دان و متفکر عصر روشنگری فرانسه بود که برای اولین بار این

فرضیه را مطرح کرد: افزایش جمعیت به میزان فراتر از رشد مواد غذایی به دیگر ضروریات یا به کاهش مداوم رفاه و یا حداقل به نوعی نوسان بین خوب و بد منجر می‌شود.^{۱۶۱}

مشکل استفاده از جملات طولانی، در موارد دیگری از ترجمه آقای فشارکی نیز تکرار شده است که به جهت احتراز از طولانی شدن مقاله از ذکر آن خودداری می‌شود؛ از آن جمله می‌توان به ترجمه ایشان در صفحه ۲۶۳، پاراگراف اول و دوم و صفحه ۲۶۵، پاراگراف سوم اشاره نمود. در مقایسه، آقای محمودی در بیشتر موارد سعی نموده تا با استفاده از جمله‌های کوتاه بر شیوایی ترجمه خود بیفزاید. برای مثال، به ترجمه آقای محمودی از جمله زیر توجه کنید:

Let me refer here to an example that was briefly discussed in the introduction in order to illustrate how the recognition of the constitutive role of freedom can alter developmental analysis¹⁶²

ترجمه: در اینجا اجازه می‌خواهم به مثالی برگردم که در مقدمه به اختصار به آن اشاره کردم (مثالی که اغلب پرسشی را در متون توسعه پیش آورده است). ارجاع دوباره به این مثال برای شرح این است که چطور شناسایی نقش نهادی آزادی [محتوای] تحلیل توسعه‌ای را می‌تواند تغییر دهد.^{۱۶۳}

در ترجمه بالا، آقای محمودی از امتیاز کوتاه‌گویی و شکسته‌نمودن جملات بلند به خوبی بهره جسته و این جمله را به دو قسمت مجزا تجزیه نموده است. در مقابل، آقای فشارکی همانند متن اصلی از جمله‌ای طولانی برای ترجمه متن مزبور بهره جسته است:

اجازه دهید در اینجا به مثالی اشاره کنم که در مقدمه اجمالاً مورد بحث قرار گرفت (و متضمن پرسشی است که در بیشتر نوشته‌های مربوط به توسعه طرح می‌شود) تا نشان دهم چگونه پذیرش نقش «تشکیل‌دهندگی» آزادی می‌تواند تحلیل توسعه را دگرگون کند.^{۱۶۴}

مقایسه دو ترجمه صورت گرفته از جمله طولانی زیر نیز خالی از لطف نیست:

The proposal of any new law or regulation of commerce which comes from this order, ought always to be listened to with great precaution, and ought never to be adopted till after having been long and carefully examined, not only with the most scrupulous, but with the most suspicious attention.¹⁶⁵

ترجمه: در گوش کردن به پیشنهاد این گروه دائر بر وضع هر قانون یا قاعده تجاری تازه باید بسیار محتاط بود و هیچ گاه نباید آن را پذیرفت، مگر پس از بررسی مفصل و دقیق، نه تنها با نهایت وسواس، بلکه با بیشترین حد بدگمانی.^{۱۶۶}

ترجمه: هرگونه لایحه قانونی مقررات جدید تجارت که برگرفته از این نظم اقتصادی باشد، باید با دقت مورد توجه قرار گیرد و نباید گذاشت که قوانین مزبور بدون بررسی و مطالعه کافی و دقیق عملی گردند.^{۱۶۷}

همان گونه که مشاهده می شود ترجمه آقای فشارکی بسیار تحت اللفظی و ثقیل است. گذشته از آنکه وی، به مانند نویسنده، با آوردن جمله ای طولانی، ترجمه ای غیر شیوا ارائه داده است. در مقابل، آقای محمودی با تبدیل متن به دو جمله، ترجمه مناسب تری ارائه داده است؛ هر چند که وصل کردن آن دو جمله با حرف عطف «و او» از شیوایی آن کاسته است.

د. مشکلات ویرایشی

اشکال های ویرایشی در یک ترجمه، شامل اشکال های علامت گذاری و یا انعکاس علامت های مورد استفاده نویسنده، نیز می تواند به شیوایی ترجمه خلل وارد کند و در مواردی حتی موجب اشکال مفهومی گردد. از آن موارد می توان به عدم دقت مترجم در انعکاس تأکید نویسنده بر یک موضوع و یا اصطلاح اشاره کرد. در زبان انگلیسی در موارد زیادی تأکید مزبور با کج نوشتن (ایتالیک) کلمه و یا اصطلاح مورد نظر بیان می گردد. گرچه چنین رویه ای در زبان فارسی

متداول نیست، اما مترجمان زبردست برای انتقال منظور نویسنده، کلمه مورد تأکید وی را داخل گیومه قرار می‌دهند. این نکته در موارد زیادی مورد غفلت آقایان محمودی و فشارکی قرار گرفته است. به نمونه زیر دقت کنید:

For this connection to be established, the importance of substantive freedom has to be judged not just in terms of the number of options one has, but with adequate sensitivity to the attractiveness of the available options.¹⁶⁸

ترجمه: برای اینکه رابطه بالا برقرار شود، اهمیت آزادی اساسی، نه تنها باید از زوایه کثرت‌گزینش فرد، بلکه از زاویه حساسیت لازم نسبت به جذابیت انتخاب‌های موجود مورد نظر باشد.^{۱۶۹}

ترجمه: برای اثبات این ارتباط، باید اهمیت آزادی خودبنیاد را نه فقط بر حسب تعداد گزینه‌های یک فرد، بلکه با حساسیت کافی نسبت به جذابیت گزینه‌های در دسترس بسنجیم.^{۱۷۰}

همان گونه که مشاهده می‌شود، هیچ کدام از دو مترجم، تأکید نویسنده بر عبارت‌های «number of options» و «attractiveness» را در ترجمه خود منعکس نکرده‌اند. این در حالی است که نویسنده با کج‌نوشتن این عبارات، در صدد تأکید بر «تعداد گزینه‌های» ممکن در تصمیم و همچنین میزان «جذابیت» گزینه‌ها می‌باشد. همان گونه که اشاره شد، مترجمان می‌توانستند با استفاده از گیومه، تأکید نویسنده را منتقل کنند. برای مثال به ترجمه آقای محمودی توجه نمایید:

It is possible, however, to question whether the efficiency sought should not be accounted in terms of individual freedoms, rather than utilities.¹⁷¹

ترجمه: ولی این پرسش مطرح است که آیا کارایی ناشی از سازوکار بازار نباید باشد در رابطه به آزادی‌های فردی مطالعه شود تا از طریق مطلوبیت‌ها.^{۱۷۱}

در عبارت بالا، نویسنده با کج‌نوشتن دو عبارت «individual freedoms» و

«utilities» سعی دارد بر روی دو مفهوم «آزادی‌های فردی» و «مطلوبیت‌ها» تأکید نماید؛ این در حالی است که تأکید نویسنده به هیچ وجه در ترجمه ارائه شده منعکس نشده است.

مقایسه تطبیقی ترجمه‌ها و نتیجه‌گیری

آنچه در این مقاله به عنوان «روش مقایسه تطبیقی بین ترجمه‌ای» مطرح شد، روشی خاص جهت مقابله ترجمه‌های گوناگون صورت گرفته از یک اثر با متن اصلی می‌باشد. مزیت این روش آن است که محقق به شکل بهتری می‌تواند معایب و مزایای روش‌ها و سبک‌های گوناگون ترجمه را با مقایسه ترجمه‌های موجود شناسایی نماید. صرف نظر از معیارهای ارزیابی ترجمه‌ها به صورت تکی که به تفصیل در مقاله بدان پرداخته شد، ترجمه‌های گوناگون از یک متن را می‌توان بر اساس سه معیار کلی «امانت در ترجمه»، «رسایی» و «شیوایی»، ارزیابی و مقایسه نمود. در این بخش با احتراز از تکرار مطالب مطرح شده در متن مقاله، بر اساس این سه معیار کلی به بررسی دو ترجمه آقایان محمودی و فشارکی از کتاب *Development as Freedom*، نوشته اقتصاددان برجسته، آمارتیاسن، می‌پردازیم.

اصل امانت در ترجمه، به عنوان اولین محور ارزیابی بین ترجمه‌ای، به معنای تلاش مترجم در انتقال منظور نویسنده به صورت کامل است. البته این امر به معنای عدم توجه به تفاوت‌های ساختاری زبان‌های مبدأ و مقصد، تفاوت‌های فرهنگی و... نیست. در نظرنگرفتن این نکته ممکن است مترجمان را در دام ترجمه کاملاً تحت‌اللفظی و یا ترجمه بسیار آزاد و غیروفادار به متن گرفتار نماید. بر اساس مستندات مورد اشاره در متن مقاله، ترجمه‌های آقایان فشارکی و محمودی در مواردی دچار این مشکل شده‌اند. در این راستا، گرچه هر دو مترجم سعی نموده‌اند که ترجمه‌ای مفهومی و وفادار به متن ارائه دهند، ولی در عمل در موارد بسیاری دچار ترجمه تحت‌اللفظی شدید متن شده‌اند. البته در مقام مقایسه،

ترجمه آقای محمودی، به مراتب مفهومی‌تر و روان‌تر از ترجمه آقای فشارکی است. در بیشتر موارد آقای محمودی با احتراز از فرو رفتن در لاک ترجمه تحت‌اللفظی، سعی نموده که منظور نویسنده را با بیانی سلیس به زبان فارسی بیان نماید. وی حتی سعی نموده که در ترجمه اصطلاح‌های ادبی از جمله ضرب‌المثل‌ها، نه تنها به ترجمه تحت‌اللفظی نپردازد، بلکه ضرب‌المثلی از زبان و فرهنگ فارسی برای برگردان ضرب‌المثل به کار رفته در زبان انگلیسی را برگزیند. برای مثال، وی به درستی ضرب‌المثل انگلیسی «Living within one's means»^{۱۷۳} را با استقاده از ضرب‌المثل فارسی «پا را از گلیم خود فراتر نهادن» ترجمه می‌کند.^{۱۷۴} در مقابل، ترجمه آقای فشارکی در موارد بسیاری کاملاً تحت‌اللفظی و غیرمفهومی است. در متن مقاله، نمونه‌های زیادی که مؤید این رویه در ترجمه آقای فشارکی است، ذکر شد که نیاز به تکرار آنها نیست.

معیار دوم در ارزیابی تطبیقی چند ترجمه، رسایی ترجمه‌ها بود. بنا به تعریف ارائه‌شده در مقاله، رسایی یک ترجمه ناظر به توانایی آن در انتقال درست منظور و مقصود نویسنده است. متأسفانه در هر دو ترجمه صورت گرفته از کتاب *آمارتیا سن*، موارد بسیاری از ترجمه نادرست و یا دست‌کم نامفهوم مشاهده می‌شود. همان‌گونه که اشاره شد، در بسیاری از موارد این مشکل به دلیل عدم آشنایی کامل مترجمان با مباحث اقتصادی، از یک سو و مباحث بین‌رشته‌ای میان اقتصاد و سایر علوم اجتماعی، از سوی دیگر، رخ داده است. برای مثال، می‌توان به ترجمه عبارت «deontological codes» به «ضوابط ضد هستی‌شناسی» در ترجمه آقای فشارکی اشاره کرد. این در حالی است که واژه مزبور از اصطلاحات حوزه علم اخلاق بوده و به معنای «قاعده‌های اخلاقی» است. البته در مقام مقایسه، ترجمه آقای محمودی نسبت به ترجمه آقای فشارکی رساتر بوده و به نحو بهتری منظور نویسنده را منعکس کرده است. به نظر می‌رسد که آقای

محمودی آشنایی بیشتری با مفاهیم و واژگان اصطلاحی علم اقتصاد داشته و از این رو، مباحث اقتصادی مطرح شده توسط نویسنده را به شکل بهتری به خوانندگان فارسی زبان منتقل کرده است.

در نهایت، معیار سوم ارزیابی تطبیقی بین ترجمه‌ای، شیوایی، ترجمه‌ها می‌باشد. شیوایی، به طور عمده به ویژگی‌های شکلی ترجمه و توانایی آن در انعکاس منظور نویسنده به بیان فارسی روان اطلاق می‌شود. عواملی چون استفاده از معادل‌های ثقیل، به کارگیری جملات طولانی و مشکلات ویرایشی می‌تواند به شیوایی ترجمه لطمه وارد آورد. می‌توان عنوان داشت که در مجموع، ترجمه آقای محمودی، در مقایسه با ترجمه آقای فشارکی، به شکل شیواتری کلام نویسنده را به زبان فارسی سلیس و روان برگردانده است. البته این موضوع کلیت ندارد. همان‌گونه که در متن مقاله بدان اشاره شد، مواردی نیز وجود دارد که در آن آقای فشارکی ترجمه شیواتری از متن اصلی ارائه داده‌اند.

در پایان، ذکر این نکته ضروری است که در ترجمه متون علمی، مترجم نه تنها باید به زبان مبدأ و زبان مقصد آشنا باشد، بلکه باید با موضوع علمی مورد بحث در متن مورد ترجمه نیز آشنایی داشته باشد. حتی می‌توان پا را از این فراتر گذاشت و عنوان داشت که مترجم باید با دیدگاه‌های خاص نویسنده در آن کتاب و یا حتی سایر آثارش آشنا باشد. همان‌گونه که اشاره شد، در ترجمه مورد بررسی در این تحقیق، مترجمان گاه به دلیل عدم آشنایی با دیدگاه خاص آماریا سن، نویسنده کتاب، در مورد توسعه اقتصادی، نتوانسته‌اند مقصود واقعی وی را به خوانندگان اثر ترجمه‌ای منتقل کنند. البته می‌توان تا حدودی اشکال‌های ترجمه‌ای در دو اثر مزبور را به دلیل بیان و نشر سنگین آماریا سن دانست، بخصوص آنکه وی در مواردی به صورت اشاره‌وار، به مباحث دشواری همچون بحث‌های فلسفی می‌پردازد.

پی‌نوشت‌ها.....

۱. جا دارد از تلاش گروه کارورزان ترجمه مشتمل بر آقایان، محمداسحاق مهدوی، عسکری، عباس شفیعی‌نژاد، نصرالله انصاری، محمدجمعه حکیمی و محمدکاظم بکتاش که در چارچوب تعیین شده، به ترتیب به بررسی فصل‌های دوم، سوم، چهارم، پنجم، نهم و یازدهم کتاب پرداختند، تشکر نمایم. پس از بررسی تفصیلی و مطابقه فعالیت تک‌تک اعضای گروه کارورزان، نگارش چارچوب نظری مقایسه بین ترجمه‌ای، ارزیابی فعالیت کارورزان، گزینش موارد مرتبط و بازنویسی کلی مقاله صورت در قالبی جدید صورت گرفت.

2 Development as Freedom.

۳. لازم به ذکر است که ترجمهٔ سومی نیز از این کتاب توسط آقای احمد موثقی با عنوان «توسعه به مثابه آزادی» صورت گرفته که به خاطر اجتناب از گسترش بیش از حد دامنهٔ بررسی و تلاش برای دستیابی به نتایج ملموس‌تر، در این بررسی تطبیقی وارد نشده است.

۴. طاهره صفارزاده، اصول و مبانی ترجمه، تجربه و تحلیلی از فن ترجمه ضمن نقد عملی آثار مترجمان، ص ۲۶.
۵. همان، ۲۶ - ۲۷.

۶. ابوالحسن نجفی، مسئله امانت در ترجمه، دربارهٔ ترجمه، گردآوری نصرالله پورجوادی، ص ۶ - ۷.

۷. آمارتیا کوار سن، توسعه و آزادی، ترجمهٔ حسن فشارکی، ص ۳۲۱.

۸. آمارتیا کوار سن، توسعه به مثابه آزادی، ص ۲۹۸ / همان، توسعه به مثابه آزادی، ترجمهٔ وحید محمودی، ص ۲۹۸

9 Sen 1999, 218

۱۰. آمارتیا کوار سن، توسعه و آزادی، ص ۲۶۰.

۱۱. آمارتیا کوار سن، توسعه به مثابه آزادی، ترجمهٔ وحید محمودی، ص ۲۴۵.

12 Sen 1999, 263.

۱۳. آمارتیا کوار سن، توسعه و آزادی، ص ۳۱۶.

14 Sen 1999, 88.

۱۵. آمارتیا کوار سن، توسعه به مثابه آزادی، ص ۱۰۸.

۱۶. آمارتیا کوار سن، توسعه و آزادی، ص ۱۰۲.

17 Sen , 88

18 Sen, 41

۱۹. همان، ص ۴۴.

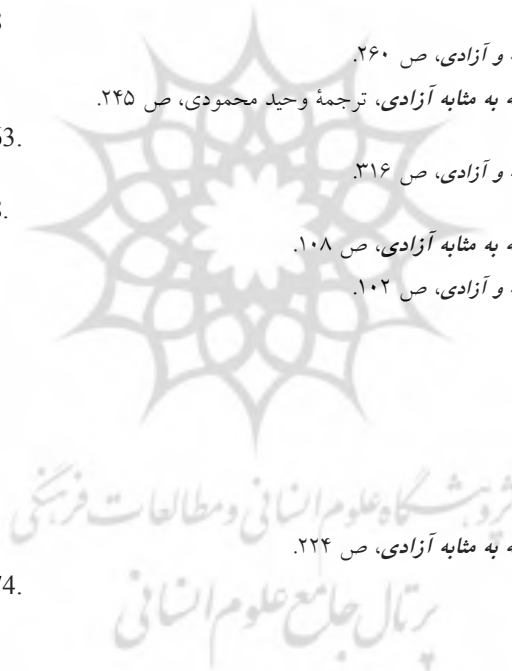
۲۰. ص ۵۷.

21 Sen, 217.

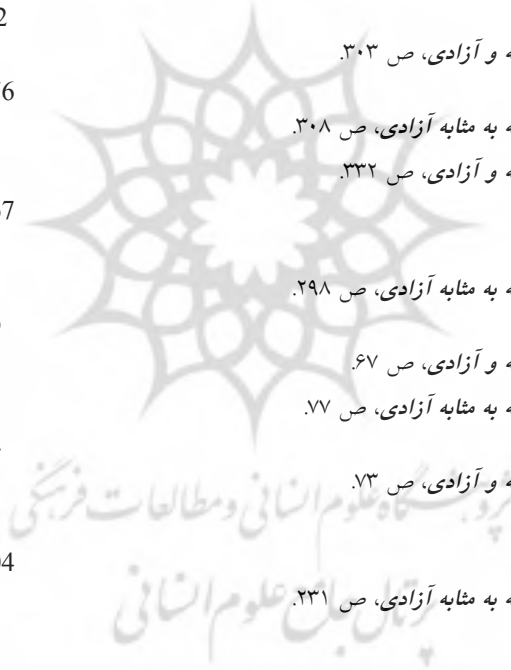
۲۲. همان، ص ۲۵۸.

۲۳. آمارتیا کوار سن، توسعه به مثابه آزادی، ص ۲۲۴.

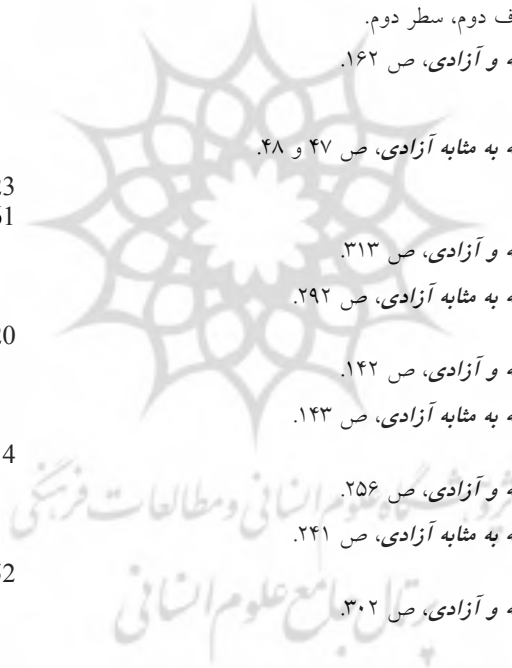
24 Sen 1999, 274.



۲۵. همان، ص ۳۰۶.
۲۶. آمارتیا کوار سن، توسعه و آزادی، ص ۳۲۹.
- 27 Sen 1999, 210
۲۸. آمارتیا کوار سن، توسعه به مثابه آزادی، ص ۲۳۷.
۲۹. آمارتیا کوار سن، توسعه و آزادی، ص ۲۵۰.
- 30 Sen 1999, 224
۳۱. آمارتیا کوار سن، توسعه به مثابه آزادی، ص ۲۵۱.
- 32 Sen 1999, 126
۳۳. همان، ص ۱۴۸.
۳۴. آمارتیا کوار سن، توسعه و آزادی، ص ۱۴۹.
۳۵. آمارتیا کوار سن، توسعه به مثابه آزادی، ص ۴۴۴.
۳۶. آمارتیا کوار سن، توسعه و آزادی، ص ۴۴۴.
- 37 Sen, 216
۳۸. آمارتیا کوار سن، توسعه به مثابه آزادی، ص ۲۴۳.
- 39 Sen 1999, 42
۴۰. همان، ص ۵۸.
۴۱. آمارتیا کوار سن، توسعه و آزادی، ص ۴۶.
- 42 Sen 1999, 204
۴۳. همان، ص ۲۴۳.
- 44 Sen 1999 252
۴۵. آمارتیا کوار سن، توسعه و آزادی، ص ۳۰۳.
- 46 Sen 1999, 276
۴۷. آمارتیا کوار سن، توسعه به مثابه آزادی، ص ۳۰۸.
۴۸. آمارتیا کوار سن، توسعه و آزادی، ص ۳۳۲.
- 49 Sen 1999, 267
۵۰. همان، ص ۳۲۱.
۵۱. آمارتیا کوار سن، توسعه به مثابه آزادی، ص ۲۹۸.
- 52 Sen 1999, 59
۵۳. آمارتیا کوار سن، توسعه و آزادی، ص ۶۷.
۵۴. آمارتیا کوار سن، توسعه به مثابه آزادی، ص ۷۷.
- 55 Sen 1999, 64
۵۶. آمارتیا کوار سن، توسعه و آزادی، ص ۷۳.
۵۷. همان، ص ۸۲.
- 58 Sen 1999, 204
۵۹. آمارتیا کوار سن، توسعه به مثابه آزادی، ص ۲۳۱.

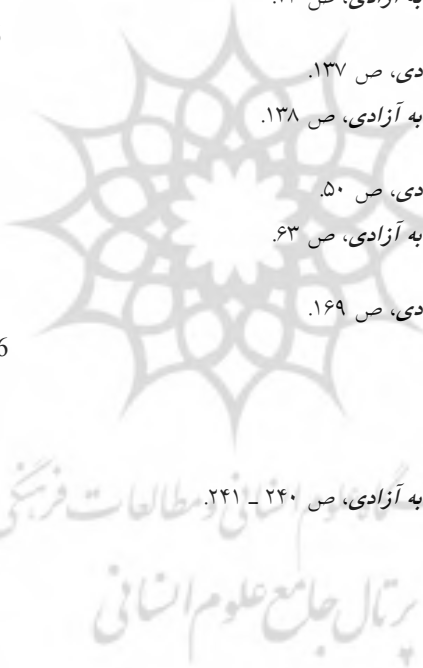


۶۰. آمارتیا کوار سن، توسعه و آزادی، ص ۲۴۳.
- 61 Sen 1999, 225
۶۲. همان، ص ۲۶۹.
۶۳. آمارتیا کوار سن، توسعه به مثابه آزادی، ص ۲۵۲.
- 64 Sen 1999, 252
۶۵. آمارتیا کوار سن، توسعه و آزادی، ص ۳۰۲.
۶۶. آمارتیا کوار سن، توسعه به مثابه آزادی، ص ۲۸۲.
- 67 Sen 1999, 16
۶۸. آمارتیا کوار سن، توسعه و آزادی، ص ۱۵.
۶۹. آمارتیا کوار سن، توسعه به مثابه آزادی، ص ۳۱.
- 70 Sen 1999, 116
۷۱. همان، ص ۱۳۹.
- 72 Sen 1999, 88
۷۳. همان، ص ۱۰۶.
- 74 Sen 1999, 118
۷۵. همان، ص ۱۴۰.
۷۶. ر.ک: آمارتیا کوار سن، ص ۲۸.
77. Sen 1999, 137.
۷۸. آمارتیا کوار سن، توسعه به مثابه آزادی، ترجمه وحید محمودی، ص ۱۶۰، عنوان اصلی.
۷۹. همان، ص ۱۶۰، پاراگراف دوم، سطر دوم.
۸۰. آمارتیا کوار سن، توسعه و آزادی، ص ۱۶۲.
۸۱. همان، ص ۴۹.
۸۲. آمارتیا کوار سن، توسعه به مثابه آزادی، ص ۴۷ و ۴۸.
- 83 Sen 1999, 223
- 84 Sen 1999, 261
۸۵. آمارتیا کوار سن، توسعه و آزادی، ص ۳۱۳.
۸۶. آمارتیا کوار سن، توسعه به مثابه آزادی، ص ۲۹۲.
- 87 Sen 1999, 120
۸۸. آمارتیا کوار سن، توسعه و آزادی، ص ۱۴۲.
۸۹. آمارتیا کوار سن، توسعه به مثابه آزادی، ص ۱۴۳.
- 90 Sen 1999, 214
۹۱. آمارتیا کوار سن، توسعه و آزادی، ص ۲۵۶.
۹۲. آمارتیا کوار سن، توسعه به مثابه آزادی، ص ۲۴۱.
- 93 Sen 1999, 252
۹۴. آمارتیا کوار سن، توسعه و آزادی، ص ۳۰۲.



۹۵. آمارتیا کوار سن، توسعه به مثابه آزادی، ص ۲۸۲.
- 96 Sen 1999, 121
۹۷. همان، ص ۱۴۳.
۹۸. آمارتیا کوار سن، توسعه و آزادی، ص ۱۴۲.
- 99 Sen 1999, 59
۱۰۰. همان، ص ۶۷.
۱۰۱. آمارتیا کوار سن، توسعه به مثابه آزادی، ص ۷۷.
۱۰۲. به طور نمونه، ر.ک: آمارتیا کوار سن، توسعه و آزادی، ص ۶۳، ۶۴، ۲۱۱ و ۲۵۳.
- 103 Sen 1999, 56
۱۰۴. همان، ۶۴.
۱۰۵. آمارتیا کوار سن، توسعه به مثابه آزادی، ص ۷۴.
- 106 Sen 1999, 225
۱۰۷. آمارتیا کوار سن، توسعه و آزادی، ص ۲۶۹.
- 108 Sen 1999, 191
۱۰۹. آمارتیا کوار سن، توسعه به مثابه آزادی، ص ۲۵۲.
۱۱۰. آمارتیا کوار سن، توسعه و آزادی، ص ۲۲۷.
- 111 Sen 1999, 191
۱۱۲. آمارتیا کوار سن، توسعه به مثابه آزادی، ص ۲۱۶.
- 113 Sen 1999, 208
۱۱۴. آمارتیا کوار سن، توسعه و آزادی، ص ۲۴۸.
۱۱۵. آمارتیا کوار سن، توسعه به مثابه آزادی، ص ۲۳۶.
۱۱۶. آمارتیا کوار سن، توسعه و آزادی، ص ۱۱۲.
۱۱۷. همچنین واژه mature age در فرهنگ هزاره (ج ۲، ص ۱۰۳۷) به معنای «میان سال» آمده است.
۱۱۸. آمارتیا کوار سن، توسعه به مثابه آزادی، ص ۱۴۶.
۱۱۹. آمارتیا کوار سن، توسعه و آزادی، ص ۱۴۷.
- 120 Sen 1999, 36
۱۲۱. آمارتیا کوار سن، توسعه به مثابه آزادی، ص ۵۳.
- 122 Sen 1999, 118
۱۲۳. همان، ص ۱۴۰.
- 124 Sen 1999, 44
۱۲۵. آمارتیا کوار سن، توسعه و آزادی، ص ۴۸.
- 126 Sen 1999, 219
۱۲۷. همان، ۲۶۲.
- 128 Sen 1999, 60
۱۲۹. همان، ۶۸.

۱۳۰. آمارتیا کوار سن، توسعه به مثابه آزادی، ص ۷۸.
131 Sen 1999, 58
۱۳۲. آمارتیا کوار سن، توسعه و آزادی، ص ۶۶.
۱۳۳. آمارتیا کوار سن، توسعه به مثابه آزادی، ص ۷۶.
134 Sen 1999, 207
۱۳۵. آمارتیا کوار سن، توسعه و آزادی، ص ۲۴۷.
۱۳۶. آمارتیا کوار سن، توسعه به مثابه آزادی، ص ۲۳۴.
۱۳۷. همان، ص ۲۳۷.
۱۳۸. آمارتیا کوار سن، توسعه و آزادی، ص ۲۵۰.
139 Sen 1999, 204
۱۴۰. آمارتیا کوار سن، توسعه به مثابه آزادی، ص ۲۳۱.
۱۴۱. آمارتیا کوار سن، توسعه و آزادی، ص ۲۴۳.
142 Sen 1999, 224
۱۴۳. همان، ص ۲۶۸.
۱۴۴. آمارتیا کوار سن، توسعه به مثابه آزادی، ص ۲۵۱.
145. Oxford Learner's Dictionary, 1709.
146 Sen 1999, 55-56
۱۴۷. آمارتیا کوار سن، توسعه و آزادی، ص ۶۳.
۱۴۸. آمارتیا کوار سن، توسعه به مثابه آزادی، ص ۷۳.
149 Sen 1999, 116
۱۵۰. آمارتیا کوار سن، توسعه و آزادی، ص ۱۳۷.
۱۵۱. آمارتیا کوار سن، توسعه به مثابه آزادی، ص ۱۳۸.
152 p/46
۱۵۳. آمارتیا کوار سن، توسعه و آزادی، ص ۵۰.
۱۵۴. آمارتیا کوار سن، توسعه به مثابه آزادی، ص ۶۳.
155 p, 143
۱۵۶. آمارتیا کوار سن، توسعه و آزادی، ص ۱۶۹.
157 Sen 1999, 206
۱۵۸. همان، ص ۲۴۶.
159 Sen 1999, 213
۱۶۰. همان، ص ۲۵۵.
۱۶۱. آمارتیا کوار سن، توسعه به مثابه آزادی، ص ۲۴۰ - ۲۴۱.
162 Sen 1999, 36
۱۶۳. همان، ص ۵۲.



۱۶۴. آمارتیا کوار سن، *توسعه و آزادی*، ص ۳۸.
165 Sen 1999, 123
۱۶۶. همان، ص ۱۴۵.
۱۶۷. آمارتیا کوار سن، *توسعه به مثابه آزادی*، ص ۱۴۵.
168 Sen 1999, 117
۱۶۹. همان، ص ۱۴۰.
۱۷۰. آمارتیا کوار سن، *توسعه و آزادی*، ص ۱۳۹.
171 Sen 1999, 117
۱۷۲. آمارتیا کوار سن، *توسعه به مثابه آزادی*، ص ۱۳۹.
173 p, 143
۱۷۴. همان، ص ۱۶۱.

منابع

- بریجانیا، ماری، *فرهنگ اصطلاحات فلسفه و علوم اجتماعی*، ویراسته بهاء‌الدین خرمشاهی، تهران، پژوهشگاه علوم انسانی و مطالعات فرهنگی، چ دوم، ۱۳۷۳.
- حسینی، صالح، *نظری به ترجمه*، تهران، نیلوفر، ۱۳۷۵.
- سن، آمارتیا کوار، *توسعه و آزادی*، ترجمه حسن فشارکی، تهران، مرکز چاپ و انتشارات وزارت امور خارجه، ۱۳۸۲.
- سن، آمارتیا کوار، *توسعه به مثابه آزادی*، ترجمه وحید محمودی، تهران، دستان، ۱۳۸۱.
- صفارزاده، طاهره، *اصول و مبانی ترجمه، تجربه و تحلیلی از فن ترجمه ضمن نقد عملی آثار مترجمان*، تهران، پارس کتاب، ۱۳۸۴.
- قره باغیان، مرتضی، *فرهنگ اقتصاد و بازرگانی*، تهران، موسسه خدمات فرهنگی رسا، چ دوم، ۱۳۷۶.
- مستوفی‌زاده حقیقی، اقبال، *واژگان اقتصاد*، تهران، مرکز نشر دانشگاهی، ۱۳۷۴.
- نجفی، ابوالحسن، *مسئله امانت در ترجمه*، درباره ترجمه، گردآوری نصرالله پورجوادی، تهران، مرکز نشر دانشگاهی.
Sen, Amrtya kumar, *Development as Freedom*. New York, Anchor Books, 1999.
Wehmeier, Sally (Chief Editor), *Oxford Learner's Dictionary*, 7th edition, London, Oxford University Press, 2005.